



مؤسسه تیز اسلام

فرهنگ اصطلاحات جغرافیای تاریخی

نوشته

حجت‌الله جودکی

تهران، ۱۳۹۶



فرهنگ اصطلاحات جغرافیای تاریخی

تألیف: حجت‌الله جودکی
ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام
م.یرنشر: خلیل قویدل
چاپ اول: ۱۳۹۶
شمارگان، ۱۰۰۰
چاپ و ویراسته: چاپ تقویم
ردیف انتشارات: ۴۷
نمونه شماره

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رستگاران، شهر روز شرقی، شماره ۹

تلفن: ۳ - ۸۸۶۷۶۸۶۱ نمابر: ۸۸۶۷۶۸۶۰

web: www.ptc.ac.ir

سرشناسه:	جودکی، حجت‌الله، ۱۳۳۵ -
عنوان و نام پدیدآور:	فرهنگ اصطلاحات جغرافیای تاریخی/نوشته حجت‌الله جودکی.
مشخصات نشر:	تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری:	۶۷۶ ص: مصور (رنگی): ۲۲×۲۹ س.م.
فروست:	پژوهشکده تاریخ اسلام: ۴۷.
شابک:	978-600-7398-19-7
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	جغرافیای تاریخی — اصطلاح‌ها و تعبیرها
موضوع:	جغرافیای تاریخی — واژه‌نامه‌ها — فارسی
موضوع:	فرهنگ جغرافیایی
موضوع:	نام‌های جغرافیایی — ایران — واژه‌نامه‌ها
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۶ ق/۹/ج۱۴۱ G
رده‌بندی دیویی:	۹۱۱/۰۳
شماره کتابشناسی ملی:	۴۱۸۲۰۵۷

سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان برای راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به‌رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علت ناتوانی ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف به منابع اصیل، و اجتناب از ادعای محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه‌جانبه از سوی دانشمندان اسلام به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و رشته‌های پیوسته به آن، آغاز کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پایگاه علمی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، رجهت همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد. این مرکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیای تاریخی جهان اسلام است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به وسیله پایگاه اینترنتی خود با همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر

در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد. علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

سیدهادی خامنه‌ای

رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام

www.ketab.ir

فهرست مداخل

۵۱	إحیاء، اراضی موات	۴۵	آقچه	۳۱	مقدمه
۵۲	اخاشب	۴۵	آکام	۳۷	آب انبار
۵۲	اخبار الاولین	۴۶	آل طمغا	۳۷	آب انداز
۵۲	اختر ماری	۴۶	آلا	۳۷	آب دزدکی
۵۲	اختمی	۴۶	آلاجوق، آلاجیق	۳۸	آب سییل
۵۲	اخماس	۴۶	آلتون تمغا	۳۸	آب کلانی
۵۲	اخنان	۴۶	آلونک	۳۸	آب نما
۵۳	اخی	۴۷	آمارکار	۳۸	آب و اصطلاحات مرتبط با آن
۵۳	أدر	۴۷	آاطولی، آنادولی	۳۹	آبادی
۵۳	أدرار	۴۷	آواره	۴۰	آباره
۵۳	إدرار	۴۷	آیین شهرداری	۴۰	آبخست
۵۳	ادنی الارض	۴۷	آر	۴۱	آبدان
۵۳	أدوار النسی	۴۷	آبستان	۴۱	آبراهه
۵۴	ارابه	۴۷	ابطح	۴۱	آبریزگان
۵۴	اراضی بایر	۴۷	ابناء، ابناء الاح	۴۱	آب کند، آبکند
۵۴	اراضی دایر	۴۸	ابن سبیل	۴۱	آپلیت سازی
۵۴	اراضی محیة	۴۸	آبه	۴۲	آتشگاه، آتشکده
۵۴	اراضی موات	۴۸	اپارکی	۴۲	آتون
۵۴	اراضی میری	۴۸	اجرة	۴۲	آجال
۵۴	ارباع	۴۹	اجفان	۴۲	آجام
۵۴	ارباع	۴۹	اجلاب، جلبان	۴۲	آجر
۵۵	ارتفاع	۴۹	اجم	۴۳	آختاچی
۵۵	ارتفاع	۵۰	اجناد	۴۳	آخر الاسلام
۵۵	ارخالق	۵۰	اجوان	۴۳	آخور بیگ
۵۵	ارخییل	۵۰	احابیش	۴۳	آخور آماردیبه
۵۶	إردب	۵۰	احازه	۴۴	آدینه
۵۶	اردو	۵۰	احتساییه	۴۴	آذربایجان
۵۶	ارزه	۵۰	احصاییه	۴۴	آرشین
۵۶	ارزیز	۵۰	احقار	۴۴	آرغوجی، یارغوجی
۵۶	ارسی	۵۱	احقاب	۴۴	آسمانه
۵۶	ارش	۵۱	احکار	۴۴	آسیا
۵۷	أرش	۵۱	احکام السلطانیه	۴۵	آغا
۵۷	ارض الشمل، ارض الصلح	۵۱	احلال	۴۵	آغوش
۵۷	ارض العرب	۵۱	احیا، حی	۴۵	آفتاب به آفتاب

۷۵	اقالیم هشت گانه	۶۶	إسماع کردن	۵۷	ارض الكبيره
۷۵	اقطاع	۶۶	اسواران، اساوره، اسوارگان	۵۷	ارغالی
۷۵	إقطاع	۶۷	اشتیا	۵۷	ارکون
۷۶	اقطاع الاجاره	۶۷	اشعار و تقلید	۵۸	ارگ
۷۶	اقطاع الارض	۶۷	اشقاب	۵۸	ارگبذ
۷۶	اقطاع الارفاق	۶۸	اشکال العالم	۵۸	اروغ
۷۷	اقطاع الاستغلال	۶۸	اشکوب	۵۸	ازج
۷۷	اقطاع التملیک	۶۸	اشل	۵۹	اسامی اسب
۷۷	اقطاع الحربی	۶۸	اشهر الحرم	۵۹	اسامی جغرافیایی
۷۷	اقطاع خوار	۶۸	اشهر معلومات	۵۹	اسامی چهار سو
۷۷	اقطاع دیوانی	۶۸	إصبع	۵۹	اسامی سال های هجرت تا وفات پیامبر
۷۷	اقطاع رقبه	۶۹	اصطلاحات دیوان برید	۵۹	اسامی شب ها
۷۷	اقطاع معادن	۶۹	اصطلاحات دبیران دیوان خراج	۵۹	اسامی شتر
۷۷	اقطاع لشکری	۶۹	اصطلاحات دبیران دیوان خزانه	۶۰	اسامی گاو
۷۷	اقلیم	۶۹	اصطلاحات فارسی در چین	۶۰	اسامی گوسفند
۷۹	اقلیم اول	۶۹	اصقاع	۶۰	اسب افریقایی
۸۰	اقلیم دوم	۷۰	اضاع	۶۱	اسباع
۸۱	اقلیم سوم	۷۰	اضافه	۶۱	اسبوع
۸۱	اقلیم چهارم	۷۰	اضافه	۶۱	اسباهیان
۸۲	اقلیم پنجم	۷۰	اطراف	۶۱	اسپست
۸۳	اقلیم ششم	۷۰	اطعام	۶۱	اسپهد
۸۳	اقلیم هفتم	۷۱	اطلال	۶۲	استاد الدار
۸۴	اقلیم هشتم	۷۱	اطلس	۶۲	إستان
۸۴	اقلیم ظلمت	۷۱	أطم	۶۲	أستان
۸۶	اقلیم عرفی	۷۱	اعتدال خریفی	۶۲	استقلال
۸۶	اقلیم واقعی	۷۱	اعتدال ربیعی	۶۳	استقلال قضائی
۸۶	اکابر	۷۱	اعراف	۶۳	استقلال نظامی
۸۶	کارم	۷۲	اعضای بنه	۶۳	استوا
۸۷	کتاب	۷۲	اعمال	۶۳	استوانه وفود
۸۷	کتاب	۷۲	اغباب	۶۴	استودان
۸۷	لال	۷۲	اغفال الارض	۶۴	استیفاء
۸۷	الام	۷۳	اغفات	۶۴	الاستیمار
۸۸	التجاء، التجاء	۷۳	أغوات	۶۴	اسطادیون
۸۸	التزام	۷۳	افاضه	۶۵	اسطرلاب
۸۹	التزام و ملتزم	۷۴	إفتتاح الخراج	۶۵	اسطرلاب مکمل
۸۹	الغ	۷۴	افراج	۶۵	اسطول
۸۹	الک	۷۴	افرتی، افلوری	۶۵	اسقندیل
۸۹	الماس	۷۴	افریقیه	۶۶	اسکدار
۸۹	الوس	۷۵	اقالیم العجم	۶۶	أسکدار
۹۰	ام البلاد	۷۵	اقالیم سبعة		

۱۰۹	باب الحرم	۹۹	اوتاغ	۹۰	ام الربانیین
۱۰۹	بابا شمل	۹۹	اورتاقان	۹۰	ام القری
۱۰۹	باتلاق	۹۹	اورکار	۹۱	ام ولد
۱۱۰	باتمان	۹۹	اوغرات	۹۱	امازیق
۱۱۰	باج	۱۰۰	اوقاص	۹۱	اماکن
۱۱۰	باجفلی	۱۰۰	اوقاف ظروف	۹۱	امامت (خوارج)
۱۱۱	الباد	۱۰۰	اوقیه	۹۱	امان
۱۱۱	باد	۱۰۱	اولجامیشی	۹۲	امان نامه
۱۱۲	باد آذربادگان	۱۰۱	اولجای	۹۲	امت
۱۱۲	باد الدبور	۱۰۱	اولنگ	۹۲	امر
۱۱۲	باد شمال	۱۰۱	اویماق	۹۲	امغار
۱۱۲	باد صبا	۱۰۱	اهل بیوتات	۹۲	املا
۱۱۲	باد محوه	۱۰۱	اهل حسبه	۹۲	املاک خالصه
۱۱۲	باد نکباء	۱۰۱	اهل دیوان	۹۳	املس
۱۱۲	باد نیمروز	۱۰۲	اهل ذمه	۹۳	امهات ولایت
۱۱۲	بادگیر	۱۰۲	اهل سابقه	۹۳	امیر الحاج
۱۱۲	بادنما	۱۰۲	اهل کتاب	۹۳	امیر الطعام
۱۱۳	بادیه	۱۰۲	اهل	۹۴	امیر اولوس
۱۱۳	بادیه نشینی	۱۰۳	ایالت	۹۴	امیر تومان
۱۱۳	باراستی	۱۰۳	ایالت جبال	۹۴	امیر الخیل
۱۱۳	بارانداز	۱۰۳	ایام البیض	۹۴	امیر داد
۱۱۳	بارانداز کردن	۱۰۳	ایام تشریق	۹۴	امیر هزاره
۱۱۴	باربیگ	۱۰۳	ایام العرب	۹۴	انبار
۱۱۴	بارح	۱۰۳	ایام المعدودات	۹۵	الانجیدج
۱۱۴	باردان	۱۰۳	ایام المعلومات	۹۵	انتحال
۱۱۴	بار فروش	۱۰۴	ایام حج	۹۵	الانجر
۱۱۴	بارکده	۱۰۴	ایام مسترقه	۹۵	اندلس
۱۱۴	بار ماه	۱۰۴	ایران	۹۵	انساب
۱۱۴	بارگاه سلطانی	۱۰۵	ایراه	۹۵	انساب العرب
۱۱۵	بارو	۱۰۵	ایشیک آقاسی	۹۶	انقطاع و معافر
۱۱۵	باره	۱۰۵	ایشیکچی	۹۶	انعام عرب
۱۱۵	بازار	۱۰۵	ایغار	۹۶	انقطاع
۱۱۶	بازارچه	۱۰۶	ایل، ایلات، ایلیات	۹۶	انقلاب
۱۱۶	بازو	۱۰۷	ایلچی	۹۶	انگشت
۱۱۶	بازه	۱۰۷	ایلخی	۹۶	انواء
۱۱۷	باژ	۱۰۷	ایلغار	۹۷	انواط
۱۱۷	باستیون	۱۰۷	اینچ	۹۸	انیران، هنیران
۱۱۷	باسقاق	۱۰۷	ایوان	۹۸	الأوارج
۱۱۷	باسمه خانه	۱۰۹	بتر	۹۹	الأواره
۱۱۷	باش	۱۰۹	باب	۹۹	اوباق

۱۳۵	بلاط	۱۲۵	برک	۱۱۷	الباشا
۱۳۵	بلاط	۱۲۵	برنامج	۱۱۸	باشلامیشی
۱۳۵	بلاط	۱۲۶	برندات	۱۱۸	باشی
۱۳۵	بلخش	۱۲۶	برنس	۱۱۸	باع
۱۳۵	بلد	۱۲۶	بری	۱۱۸	باعوث
۱۳۵	بلد امین	۱۲۶	برید	۱۱۸	باقی
۱۳۶	بلدان	۱۲۹	بُروشم	۱۱۸	بال
۱۳۶	بلدة	۱۲۹	بزیون	۱۱۹	بالاخانه
۱۳۶	بلدیون	۱۲۹	البست	۱۱۹	بالشت، بالش
۱۳۶	بلدیه	۱۲۹	بستی، بست رفتن	۱۱۹	بالوعه
۱۳۶	بلدیین	۱۳۰	بُسر	۱۱۹	بالیغ
۱۳۶	البَطْجی	۱۳۰	بشمقدار	۱۱۹	بای
۱۳۶	بلغریین	۱۳۰	بطاح	۱۱۹	بُتر
۱۳۷	بلم	۱۳۰	بطریق	۱۲۰	بحر
۱۳۷	بلوک	۱۳۰	بُطس	۱۲۰	بحر الکبیر
۱۳۷	بلوک باشی	۱۳۰	طن	۱۲۰	بحر ظلمات
۱۳۷	بنات النعش صغری	۱۳۰	بن	۱۲۰	بحر فارس
۱۳۷	بنات النعش کبری	۱۳۱	بنّا	۱۲۰	بحری خلا
۱۳۷	بنّاک	۱۳۱	بلیجا	۱۲۰	بحریه
۱۳۸	بَند	۱۳۱	بغاز	۱۲۰	بحیره
۱۳۸	بند	۱۳۱	بغیغه	۱۲۱	بخاشیش
۱۳۸	بند بستنها	۱۳۱	بقاع	۱۲۱	بختی
۱۳۸	بُندار	۱۳۱	بقعا	۱۲۱	بخس
۱۳۸	بندر	۱۳۲	بقعه	۱۲۲	بخش
۱۳۸	بندر	۱۳۲	بقیة السیف	۱۲۲	بخشی
۱۳۹	بندقدار	۱۳۲	بقیع	۱۲۲	بخشیگری
۱۳۹	بندیان	۱۳۲	بقین	۱۲۲	بدست
۱۳۹	بنک	۱۳۲	بکچی	۱۲۲	بُدور
۱۳۹	بنو حم	۱۳۳	بکره	۱۲۲	بدوی
۱۳۹	بنو لاجرار	۱۳۳	بکشاریه انکشاریه	۱۲۲	بَر
۱۴۰	بنود	۱۳۳	بگده	۱۲۲	برابی
۱۴۰	بنه	۱۳۳	بلاد اطلس	۱۲۳	برانس
۱۴۰	بنه	۱۳۳	بلاد التّیر	۱۲۴	البرانی
۱۴۱	بنه ارباب رعیتی	۱۳۳	بلاد الساحل	۱۲۴	بربر
۱۴۱	بنه گاو بندی	۱۳۴	بلاد السیبه	۱۲۴	برج
۱۴۱	بنه کن	۱۳۴	بلاد المخزن	۱۲۴	برج و باروی شاه تهماسبی
۱۴۱	بنی الاصفَر	۱۳۴	بلاد صول	۱۲۵	بردی
۱۴۱	بوارج	۱۳۴	بلاد قبله	۱۲۵	برزن
۱۴۲	بوجار	۱۳۴	بلاد مصامده	۱۲۵	براطانیه، بُرطینیّه
۱۴۲	بودباش	۱۳۴	البلاصی	۱۲۵	براطیل

۱۵۹	تاش	۱۵۱	پاتوغ	۱۴۲	بور
۱۶۰	تالاب	۱۵۱	پادری	۱۴۲	بوزی
۱۶۰	تالان	۱۵۱	پاره	۱۴۲	بوم
۱۶۰	تبان	۱۵۱	پاریاب	۱۴۳	بوم دانان
۱۶۰	تبرزین	۱۵۲	پاسارگاد	۱۴۳	بویره
۱۶۰	تبع	۱۵۲	پاشا	۱۴۳	بهار
۱۶۱	تبع	۱۵۲	پاشیر	۱۴۳	البهرج
۱۶۱	تپه	۱۵۲	پاکل	۱۴۳	بهارات
۱۶۲	تجن، تیجن	۱۵۲	پایاب	۱۴۳	بیابان
۱۶۲	تحتانیات	۱۵۲	پایان ارض مسکون	۱۴۳	بیاته
۱۶۲	تحجیر	۱۵۲	پایزه	۱۴۴	بیادق
۱۶۳	تخت روان	۱۵۳	پت	۱۴۴	البیاده
۱۶۳	تخته قابو کردن	۱۵۳	پرجم	۱۴۴	بیاره
۱۶۳	تخفیف	۱۵۳	پرده‌دار	۱۴۴	بیالقه
۱۶۴	تخلیه السرب	۱۵۳	پرش	۱۴۴	بیت
۱۶۴	التخلیه و التقویر	۱۵۳	رواز عقاب	۱۴۴	بیت الخلوة
۱۶۴	التخمین	۱۵۳	روانچی	۱۴۴	بیت الشراب
۱۶۴	تخوم	۱۵۴	پروا	۱۴۵	بیت القهوة
۱۶۵	التخییط	۱۵۴	بیت دبی	۱۴۵	بیت الکتابه
۱۶۵	تراجم	۱۵۴	پشت	۱۴۵	بیت المال
۱۶۵	تراز	۱۵۴	پک	۱۴۵	بیتکچی
۱۶۵	ترازو	۱۵۴	پل چوبی	۱۴۵	بیجاده
۱۶۵	تراسیم	۱۵۴	پنج دری	۱۴۶	بیجک
۱۶۵	ترخان	۱۵۴	پنج شهر، همدان، بالغ	۱۴۶	بیذا
۱۶۶	ترسالی، خشکسالی	۱۵۵	پنج قسمت زمین	۱۴۶	بیدر، بیادر
۱۶۶	ترسانه	۱۵۵	پنجگان	۱۴۶	بیرق
۱۶۶	ترشیش	۱۵۵	پول	۱۴۶	بیرقدار
۱۶۶	تره	۱۵۵	پهلو	۱۴۶	بیرون
۱۶۷	تریب و ترهیب	۱۵۶	پهلوانان	۱۴۷	بیزار، بیزاره
۱۶۷	الترف	۱۵۶	پهلوان بزن بهادر	۱۴۷	بیست و هشت اقلیم عرفی
۱۶۷	ترفا	۱۵۶	پهنای زمین	۱۴۷	بیستگانی
۱۶۷	ترفا	۱۵۶	بیادگان	۱۴۸	بیعه
۱۶۷	تروش	۱۵۶	پیچه	۱۴۸	بیگ
۱۶۷	ترویه	۱۵۷	پیشکش	۱۴۸	بیگلربیلیک
۱۶۸	تسایست	۱۵۷	پیشوا	۱۴۸	بیگم
۱۶۸	تسبیب	۱۵۹	تا گردن اسب	۱۴۸	بیله
۱۶۸	تسعیر	۱۵۹	تارلا	۱۴۹	بین النهرین
۱۶۸	تسویغ	۱۵۹	التاریخ	۱۴۹	بیوت النیران
۱۶۸	تشت	۱۵۹	تاریخ محلی	۱۵۱	پا
۱۶۸	تشناب	۱۵۹	تأزیر	۱۵۱	پاپیروس

۱۸۶	جار	۱۷۶	تنجیم	۱۶۹	تصنیف
۱۸۶	جاری	۱۷۶	تندیل	۱۶۹	تضاریس الارض
۱۸۷	جاشو	۱۷۶	تنسوغات	۱۶۹	نطوع
۱۸۷	جاگیر	۱۷۶	تنکه	۱۶۹	تعریف
۱۸۷	جاگیردار	۱۷۶	تنماچی	۱۶۹	تعلیمی
۱۸۷	جالیه	۱۷۶	توابع	۱۷۰	تعوید
۱۸۸	جام جم (جام جهان نما)	۱۷۷	توزوک، ترک		تعیین مسافتهای قدیمی با مقیاسهای جدید
۱۸۸	جامع (مسجد)	۱۷۷	توشمال	۱۷۰	
۱۸۸	جامگی	۱۷۷	توظیف	۱۷۰	تقاوی
۱۸۸	جامه رنگین	۱۷۷	توغ	۱۷۰	تقبیل الارض، قبالة الارض
۱۸۸	جاندار	۱۷۸	توق	۱۷۰	تقریر
۱۸۸	جانشینی (خلافت)	۱۷۸	توغاچی	۱۷۱	تقسیم بندی شهر تهران
۱۸۸	الجاه	۱۷۸	تومان	۱۷۱	تقسیمات ایرانشهر
۱۸۹	جاهلیت	۱۷۸	ته چر	۱۷۱	تقصیر
۱۸۹	جایگاه و جهت بادها	۱۷۸	تهل	۱۷۱	تقویم
۱۹۰	جَبّ	۱۷۹	تهلیل	۱۷۱	تقویم
۱۹۰	جبال	۱۷۹	تساهی	۱۷۱	تقویم الامازیغی
۱۹۰	الجبان	۱۷۹	تیر	۱۷۲	تقویم البلدان
۱۹۰	جَبّانه	۱۷۹	تیرور	۱۷۲	تقویم ترکی
۱۹۰	جبایه، جبايات	۱۷۹	تیره	۱۷۲	تکاب
۱۹۰	جبر و مقابله	۱۷۹	تیم و تیمک	۱۷۲	تکر
۱۹۰	جبل الفتح	۱۷۹	تیمار	۱۷۳	تکشمیشی
۱۹۱	جبل النار	۱۸۰	تیمچه	۱۷۳	تکمله
۱۹۱	جبل فضّه	۱۸۰	تیول	۱۷۳	تکمله، نوع من الضریبة.
۱۹۱	جَبّه خانه، جباخانه	۱۸۱	تیول دار	۱۷۳	تکویر
۱۹۱	جت	۱۸۱	تیه	۱۷۳	تکه
۱۹۲	جحافل	۱۸۱	تَجّ	۱۷۳	تکشیف
۱۹۲	البنخوار	۱۸۳	تخن	۱۷۳	تکیه
۱۹۲	جدار	۱۸۳	ثغور	۱۷۴	تکیه
۱۹۲	جَنّ	۱۸۳	ثمد	۱۷۴	تَلّ
۱۹۲	جر	۱۸۴	ثمره	۱۷۴	تلجیه، تَلَجْنَة
۱۹۲	جرد	۱۸۴	ثمن	۱۷۴	تلمبه چیان
۱۹۳	جرداب	۱۸۴	ثنايا	۱۷۴	تَلّیس
۱۹۳	جُرز	۱۸۵	جابلسا	۱۷۴	تلیسه
۱۹۳	جرگه	۱۸۵	جابلقا	۱۷۴	تمدن
۱۹۳	جروم	۱۸۵	جائلیق	۱۷۵	تمصیر
۱۹۳	الجریب	۱۸۵	جاده	۱۷۵	تمفا
۱۹۴	جریبانه	۱۸۶	جاده ابریشم	۱۷۵	تملیک
۱۹۵	جرید اندازی	۱۸۶	جاده ادویه	۱۷۵	تناضیب
۱۹۵	جریده دیوان عرض	۱۸۶	جاده مالرو	۱۷۶	تنبوشه

۲۱۵	چرخاب	۲۰۴	جَنَة	۱۹۵	جزایر
۲۱۵	چرخچیان	۲۰۴	جند	۱۹۵	جزایر خالدا
۲۱۵	چریک	۲۰۵	جند شهنشاه	۱۹۵	جزر
۲۱۵	چشم زخم	۲۰۵	جنگ فجار	۱۹۵	جرع
۲۱۵	چشمه	۲۰۵	جنوب	۱۹۶	جرع
۲۱۵	چشمه	۲۰۵	جنیزه	۱۹۶	جزیره
۲۱۵	چشمه گل آلود	۲۰۶	جو	۱۹۶	الجزیره
۲۱۶	چغا	۲۰۷	جوا	۱۹۷	جسر
۲۱۶	چک	۲۰۷	جوبد	۱۹۷	جشن سده
۲۱۶	چلی	۲۰۷	جوخان	۱۹۷	جصاصین
۲۱۶	چلیبا	۲۰۷	جوسق	۱۹۸	جعاله
۲۱۶	چم	۲۰۷	جوشن	۱۹۸	جغرافیا
۲۱۷	چمن	۲۰۷	جوف	۱۹۸	جغرافیای تاریخی
۲۱۷	چنداوول	۲۰۸	جوکندار	۱۹۸	جغرافیای توصیفی
۲۱۷	جویی و چمر	۲۰۸	جوگی	۱۹۸	جغرافیای ریاضی
۲۱۷	چوکی	۲۰۸	جولایان	۱۹۹	جغرافیای نجومی
۲۱۸	چوگان	۲۰۸	جومه	۱۹۹	جفت
۲۱۸	چول	۲۰۸	چون	۲۰۰	جل
۲۱۸	چهار جهت اصلی	۲۰۹	چری، دیبار	۲۰۰	جلا دادن
۲۱۸	چهار جهت فرعی	۲۰۹	چهر	۲۰۰	جَلاب
۲۱۸	چهار سوچ	۲۰۹	چهذ	۲۰۰	جَلاب
۲۱۹	چهار یاری	۲۱۱	چاپار	۲۰۰	جَلاب
۲۱۹	چهارده اقلیم	۲۱۱	چاپار خانه	۲۰۱	جلاهقات
۲۱۹	چیفیتلیک	۲۱۱	چاتلاق دوکندی	۲۰۱	جلدوی
۲۲۰	چیلان گری	۲۱۱	چاخویان	۲۰۱	جلس
۲۲۰	چینگنه	۲۱۱	چادر	۲۰۱	جلگه
۲۲۳	حانظ	۲۱۱	چادر نشینی	۲۰۱	جلهتان
۲۲۳	حاجب	۲۱۲	چارسوی، چار سوق	۲۰۲	جمّا
۲۲۳	حارس	۲۱۲	چارق	۲۰۲	جمّازه
۲۲۳	حاره	۲۱۲	چارک	۲۰۲	الجماعة
۲۲۴	حازه	۲۱۲	چاشنی گیر	۲۰۲	جماعه
۲۲۴	حاشیه	۲۱۳	چاشنی گیر باشی	۲۰۲	جمد
۲۲۴	حاصل	۲۱۳	چاو	۲۰۳	جمدار
۲۲۴	حاضر	۲۱۳	چاووش	۲۰۳	الجمدارية
۲۲۴	حاضرة	۲۱۳	چاه	۲۰۳	جمره
۲۲۴	حافر	۲۱۴	چای خانه	۲۰۳	جمعگی
۲۲۵	حافظ	۲۱۴	چپر	۲۰۳	جمیش
۲۲۵	حاکم	۲۱۴	چتر	۲۰۴	الجنائب
۲۲۵	حامیه الامصار	۲۱۴	چرجی	۲۰۴	جنات اربعه
۲۲۵	حانوت	۲۱۴	چرخ آبیاری	۲۰۴	جنادل جمع جندل

۲۴۲	خان	۲۳۳	حَظِیْطَة و تَرِیْکَة	۲۲۵	حَبَة
۲۴۲	خان	۲۳۳	حطیم	۲۲۵	حباشه
۲۴۲	خان، خانات	۲۳۳	حظیره	۲۲۵	حبس
۲۴۳	خانبارات	۲۳۳	حفر، حفیر	۲۲۶	حَبَة
۲۴۳	خانبالغ	۲۳۳	حَقَّابَه	۲۲۶	حبیس
۲۴۳	خانقاه	۲۳۴	حَقَّة	۲۲۶	حج
۲۴۳	خانواده	۲۳۴	حقه	۲۲۷	حجازین
۲۴۳	خانه	۲۳۴	حَلّ	۲۲۷	حِجَّة الإسلام
۲۴۴	خیار	۲۳۴	حلف	۲۲۷	حد
۲۴۴	خیوشان	۲۳۵	حلق	۲۲۷	حُذَا و نَصَب
۲۴۴	خدمت	۲۳۵	حلقه	۲۲۷	حدود العالم
۲۴۴	خدیم	۲۳۵	حلقه	۲۲۷	حَرَّابَه
۲۴۴	خراج	۲۳۵	حله	۲۲۷	حَرَّابِی
۲۴۵	خراج اجرت	۲۳۵	حله	۲۲۸	حرا بیات
۲۴۵	خراج جزیه	۲۳۶	حلیف	۲۲۸	حراریق
۲۴۵	خراج حادث	۲۳۶	حمادات	۲۲۸	حرافیش
۲۴۵	خراج راتب، مقاطعه	۲۳۶	حمایر	۲۲۸	حُرز
۲۴۵	خراجدار	۲۳۶	حمّه	۲۲۸	حُرش
۲۴۵	خراس	۲۳۷	الخمیر	۲۲۹	حُرطانی، حُرَاطِین
۲۴۶	خراسان	۲۳۷	حمّه، العله	۲۲۹	حَرّه
۲۴۶	خراسانی	۲۳۷	خُمُول	۲۲۹	حریم
۲۴۶	خرسی، خُراسانی	۲۳۷	حمی	۲۲۹	حزاران
۲۴۶	خربندگان	۲۳۸	حمی النقیع	۲۲۹	حَزَر
۲۴۶	خرپشته	۲۳۸	حَنّان	۲۳۰	حزن
۲۴۷	خرص	۲۳۸	حوت	۲۳۰	حزوره
۲۴۷	خرک	۲۳۸	حوز	۲۳۰	حزونه
۲۴۷	خرکاره	۲۳۸	حوض، حوضچه	۲۳۰	حسب
۲۴۷	خرگاه	۲۳۹	حوف	۲۳۰	حَسَب
۲۴۷	خرپوشه	۲۳۹	حومان	۲۳۱	حِسَبه
۲۴۷	خر	۲۳۹	حومه	۲۳۱	حسی
۲۴۸	خره انداز	۲۳۹	حی	۲۳۱	حشّ
۲۴۸	خریطة	۲۴۰	حیازات	۲۳۲	حُشَاد
۲۴۸	خریطة دار	۲۴۱	خاج	۲۳۲	حَشَرِی
۲۴۹	خزائن	۲۴۱	خازن	۲۳۲	حشم
۲۴۹	خزانه، خزینه	۲۴۱	خازندار	۲۳۲	حساب
۲۴۹	خزندار	۲۴۱	خاصکی	۲۳۲	حصار
۲۴۹	خزینه دار	۲۴۱	خافق	۲۳۲	حصن
۲۴۹	خشت	۲۴۲	خاقان	۲۳۳	حصه
۲۴۹	خشت	۲۴۲	خالدیات	۲۳۳	حضری
۲۵۰	خشت	۲۴۲	خالدیه	۲۳۳	حَضِیض

۲۵۰	خشتر	۲۵۸	دار الزوراء	۲۶۶	دار الزوراء
۲۵۰	خشتراپاون	۲۵۸	دار السجن	۲۶۶	دار السجن
۲۵۰	الخضعات	۲۵۸	دار السعادة	۲۶۶	دار السعادة
۲۵۰	خط ارين	۲۵۹	دار السلام	۲۶۶	دار السلام
۲۵۱	خط اعتدال	۲۵۹	دار السلطان	۲۶۶	دار السلطان
۲۵۱	خط الاستواء	۲۵۹	دار السلطنة	۲۶۶	دار السلطنة
۲۵۱	خط الراس	۲۶۱	دار السنة	۲۶۶	دار السنة
۲۵۱	خط الزوال	۲۶۱	دار السيادة	۲۶۷	دار السيادة
۲۵۲	خط خرد	۲۶۱	دار الشجرة	۲۶۷	دار الشجرة
۲۵۲	خط القمر	۲۶۱	دار الشحنة	۲۶۷	دار الشحنة
۲۵۲	خط نيم روزان	۲۶۲	دار الشراب	۲۶۷	دار الشراب
۲۵۲	خطط	۲۶۲	دار الشفاء	۲۶۷	دار الشفاء
۲۵۳	خطه	۲۶۲	دار الصباغين	۲۶۷	دار الصباغين
۲۵۱	خف	۲۶۲	دار الصلح	۲۶۸	دار الصلح
۲۵۳	خفارة	۲۶۲	دار الصناعة	۲۶۸	دار الصناعة
۱۳	خفير	۲۶۲	دار الصوفية	۲۶۸	دار الصوفية
۲۵۳	خلاب	۲۶۲	دار الضرب	۲۶۸	دار الضرب
۲۵۳	خلاش	۲۶۲	دار الضيافة و الوفود	۲۶۸	دار الضيافة و الوفود
۲۵۴	خلافت	۲۶۳	دار الطلبة	۲۶۸	دار الطلبة
۲۵۴	خلجان	۲۶۳	دار العبادة	۲۶۸	دار العبادة
۲۵۴	خلوتخانه	۲۶۳	دار المعجزة	۲۶۹	دار المعجزة
۲۵۴	خلوتسرا	۲۶۳	دار العدل	۲۶۹	دار العدل
۲۵۴	خلون	۲۶۳	دار العلم	۲۶۹	دار العلم
۲۵۴	خليخانه	۲۶۳	دار العلوم	۲۶۹	دار العلوم
۲۵۵	خليفه	۲۶	دار العهد	۲۶۹	دار العهد
۲۵۵	خلية	۲۶۴	دار الغرور	۲۶۹	دار الغرور
۲۵۵	خماهن	۲۶۴	دار الفناء	۲۶۹	دار الفناء
۲۵۵	خمس	۲۶۴	دار فنون	۲۶۹	دار فنون
۲۵۵	خندق	۲۶۴	دار القرآن الكريم	۲۷۰	دار القرآن الكريم
۲۵۵	خواجا	۲۶۴	دار القضا	۲۷۰	دار القضا
۲۵۶	خوخة	۲۶۴	دار القوارير	۲۷۰	دار القوارير
۲۵۶	خوذة	۲۶۴	دار الكتب	۲۷۰	دار الكتب
۲۵۶	خور	۲۶۵	دار الكرم	۲۷۰	دار الكرم
۲۵۷	خور آيان	۲۶۵	دار الكسوة	۲۷۰	دار الكسوة
۲۵۷	خوراسان	۲۶۵	دار الكفر	۲۷۱	دار الكفر
۲۵۷	خوربران	۲۶۵	دار الكلب	۲۷۱	دار الكلب
۲۵۷	خوره	۲۶۵	دار اللهو	۲۷۱	دار اللهو
۲۵۸	خوز	۲۶۵	دار المتاع	۲۷۱	دار المتاع
۲۵۸	خونجه	۲۶۵	دار المحاسبات	۲۷۱	دار المحاسبات
۲۵۸	خيابان	۲۶۵	دار المرضى	۲۷۱	دار المرضى

۲۸۴	دژ نبشت	۲۷۸	دبوس	۲۷۱	دار المساکین
۲۸۵	دست انداز الاغ	۲۷۸	دبّه	۲۷۱	دار المستنین
۲۸۵	دستلاف	۲۷۸	دبیر	۲۷۱	دار المشاورة
۲۸۵	دستور	۲۷۸	دبیران رسائل	۲۷۲	دار المضیف
۲۸۵	دسکره، دساگر	۲۷۸	دجله کوچک	۲۷۲	دار المعارف
۲۸۵	دسیاتین	۲۷۸	دُجیل اهواز	۲۷۲	دار المفارقة
۲۸۵	دشت	۲۷۹	دحو الارض	۲۷۲	دار المکوس
۲۸۶	دشتک	۲۷۹	دخمه	۲۷۲	دار الملك
۲۸۶	دعاة	۲۸۰	دده	۲۷۲	دار الملك
۲۸۶	دفتر	۲۸۰	در جاه جنگ	۲۷۲	دار المملكة
۲۸۶	دقل	۲۸۰	درآبین	۲۷۲	دار النحاس
۲۸۶	دکان	۲۸۰	درآعه	۲۷۲	دار الندوة
۲۸۶	دل ایرانشهر	۲۸۰	درب	۲۷۳	دار النعیم
۲۸۶	دلال	۲۸۰	درب الکلاب	۲۷۳	دار الوزارة
۲۸۷	دلک	۲۸۱	دربندان	۲۷۱	دار الوضوء
۲۸۷	دلو	۲۸۱	درجه	۲۷۳	دار الهجرة
۲۸۷	دلیجان	۲۸۱	درخانه	۲۷۳	دار جيش
۲۸۷	دمن	۲۸۱	دره	۲۷۳	دارالسورور
۲۸۷	دنقره	۲۸۱	درع	۲۷۳	دار سوق
۲۸۸	دوات دار	۲۸۱	درق	۲۷۳	دار صینی
۲۸۸	دوادر	۲۸۱	درقات	۲۷۳	دار عز
۲۸۸	دوادو	۲۸۲	درقه	۲۷۴	دار غریبه
۲۸۹	دوار	۲۸۲	درگاه	۲۷۴	دار فتنه
۲۸۹	دوالی	۲۸۲	درم	۲۷۴	دار کفر
۲۸۹	دوبه	۲۸۲	دروازه	۲۷۴	دار مملكة الروم
۲۸۹	دوچتر	۲۸۲	دروب	۲۷۴	دار نعم
۲۸۹	دور باش	۲۸۲	دروکاران	۲۷۴	دار الهدنه
۲۹۰	دور شهر	۲۸۲	دروزن	۲۷۴	دارالبقاء
۲۹۰	دورین	۲۸۲	دروهی	۲۷۴	داروغه
۲۹۰	دوساق، دستاق	۲۸۳	دره	۲۷۵	داغ
۲۹۰	دوشیرمه	۲۸۳	درهم	۲۷۵	داک
۲۹۰	دوغا	۲۸۳	درهم بغلی پارسیان	۲۷۵	دانق
۲۹۰	دوغن	۲۸۳	درهم شرعی	۲۷۶	دانگ
۲۹۱	دوگان	۲۸۳	دریا	۲۷۷	دانه برنج
۲۹۱	دوگانه	۲۸۳	دریابیگی	۲۷۷	دانه جو
۲۹۱	دولاب	۲۸۳	دریای محیط غربی	۲۷۷	دانه خردل
۲۹۲	دولت	۲۸۴	دز	۲۷۷	دانه کنجد
۲۹۲	دونوم یا دونم	۲۸۴	دژ	۲۷۷	داوه
۲۹۲	دوهجی	۲۸۴	دژ المُشَقَّر	۲۷۷	دای
۲۹۲	دویدار، داوهدار	۲۸۴	دژ کردن	۲۷۷	دایره اسلام

۳۱۳	رحاله	۳۰۰	دیه	۲۹۲	دویره
۳۱۳	رحبة	۳۰۱	ذات القرون	۲۹۲	دهاس
۳۱۳	رحله	۳۰۱	ذراع	۲۹۲	دهخدا
۳۱۳	رُخام	۳۰۱	ذراع اسکندر	۲۹۳	دهدار
۳۱۳	رداء	۳۰۱	ذراع المرسله	۲۹۳	دهرد
۳۱۳	ردم	۳۰۱	ذراع رشیدیہ	۲۹۳	دهستان
۳۱۳	ردود	۳۰۲	ذراع سابوری	۲۹۳	دهشلاران
۳۱۴	ردهه	۳۰۲	ذراع شرعی	۲۹۳	دهقانان
۳۱۴	رزق	۳۰۳	ذراع عمری	۲۹۳	دهکان
۳۱۴	رزنامج	۳۰۳	ذراع قاسمی	۲۹۴	دهکده
۳۱۴	رزی	۳۰۳	ذراع مامونی	۲۹۴	دهگان
۳۱۵	رستاق	۳۰۳	ذراع هاشمیه	۲۹۴	دهنج
۳۱۵	رسته	۳۰۳	ذرع	۲۹۴	دهویه
۳۱۵	رسم المعمور من الارض	۳۰۳	ذروة	۲۹۴	دهیو
۳۱۶	رسول دار	۳۰۳	الذهب الاشرفی	۲۹۵	دهیوپت
۳۱۶	رشنیق، رشانقه	۳۰۵	رئیس	۲۹۵	دیار
۳۱۶	رصد	۳۰۵	رائع	۲۹۵	ذیدب
۳۱۶	رصیف	۳۰۵	رابطه	۲۹۶	دیدبان
۳۱۶	رطانت	۳۰۵	رائع	۲۹۶	دیر
۳۱۶	رطل	۳۰۶	رائع، راتب	۲۹۶	دیگجوش
۳۱۷	رطل بغدادی	۳۰۶	راصد	۲۹۶	دیلمستان و دیلمان
۳۱۷	رعاده	۳۰۶	راضی یا راضیه	۲۹۷	دیماس
۳۱۷	رعیت	۳۰۶	راویه	۲۹۷	دین دبیره
۳۱۷	رفاده	۳۰۶	راهب	۲۹۷	دینار
۳۱۷	رفوت	۳۰۶	راهدار	۲۹۷	دینار هرقل
۳۱۸	رقاص	۳۰۶	راهدارخانه	۲۹۷	الدیوان
۳۱۸	رقبات	۳۰۷	راهدان	۲۹۸	دیوان آب
۳۱۸	رقبه	۳۰۷	راه شاهی	۲۹۸	دیوان اشراف
۳۱۸	رقعه	۳۰۸	راهمانی	۲۹۹	دیوان الغوث
۳۱۸	رقمة	۳۰۸	راهنامج	۲۹۹	دیوان الکشف
۳۱۹	رقن	۳۰۹	رباط	۲۹۹	دیوان الموارث
۳۱۹	رقیه	۳۱۰	ربان	۲۹۹	دیوان المستخرج
۳۱۹	رکاز	۳۱۰	ربض	۲۹۹	دیوان برید
۳۱۹	رکوة	۳۱۰	ربیع	۳۰۰	دیوان بنو الاصفر
۳۱۹	رمكة	۳۱۱	ربیع مسکون	۳۰۰	دیوان بیگی
۳۱۹	رمل	۳۱۲	ربیع مسلوک	۳۰۰	دیوان کستیزود
۳۱۹	رمة	۳۱۲	ربیع معمور	۳۰۰	دیوان نظر
۳۲۰	روادیف	۳۱۲	ربیع مکشوف	۳۰۰	دیوان وزارت
۳۲۰	رواشن	۳۱۲	ربعه های قرآن	۳۰۰	دیوان همایون
۳۲۰	رواق	۳۱۲	ربوه	۳۰۰	دیولاح

۳۴۶	سانیه	۳۳۶	زند، پازند	۳۲۰	رود، رودخانه
۳۴۶	ساوری	۳۳۶	زورخانه	۳۲۰	روز
۳۴۶	سایه	۳۳۶	زیبق	۳۲۱	روزهایگان
۳۴۶	سباخ	۳۳۶	زیج	۳۲۱	روز مهر
۳۴۶	سبّخه	۳۳۶	زیج ممّتحن	۳۲۱	روستا
۳۴۷	سج	۳۳۶	زیرباد	۳۲۱	روضه و حدیقه
۳۴۷	سیل خانه	۳۳۷	زیربادات	۳۲۲	روک
۳۴۷	سپستزار	۳۳۷	زینخانه، زینستان	۳۲۲	روکات
۳۴۷	سپهسالار	۳۳۹	ژدروزیّا	۳۲۲	روم خانه
۳۴۷	ستائیرین	۳۴۱	سئسی	۳۲۲	رهنامه
۳۴۸	ستاتم	۳۴۱	ساباط	۳۲۳	ریش سفید
۳۴۸	ستاد	۳۴۱	سابان	۳۲۳	ریف
۳۴۸	ستوقه	۳۴۱	ساتراپی	۳۲۵	زاغه
۳۴۸	ستی	۳۴۱	ساتی	۳۲۵	زام
۳۴۸	سجاسج	۳۴۲	ساحت	۳۲۶	زام
۳۴۸	سجن، سکن	۳۴۲	ساحل	۳۲۶	زاویه
۳۴۹	سحر و جادو	۳۴۲	ساشگی	۳۲۷	زاویه
۳۴۹	سختیان	۳۴۲	ساشور	۳۲۷	زایچه
۳۴۹	سدّ	۳۴۲	ساداد	۳۲۷	زبانگیری کردن
۳۴۹	سدانة	۳۴۳	سازسن، سازند	۳۲۷	زبرجد
۳۴۹	سدیر	۳۴۳	ساروج	۳۲۷	زردخانه
۳۵۰	سرا بُستان	۳۴۳	سازدام	۳۲۸	زط
۳۵۰	سرّاب	۳۴۳	سازن	۳۳۰	زفت
۳۵۰	سراچه	۳۴۳	ساسی	۳۳۰	زقاق
۳۵۰	سرادق	۳۴۴	ساعت	۳۳۰	زکات
۳۵۱	سراق البحر	۳۴۴	ساعت دسته کوک	۳۳۰	زکاتخانه
۳۵۱	سرای	۳۴۴	ساعت زوالی	۳۳۰	زلیج
۳۵۱	سرای زر	۳۴۴	ساعت سحر کوک	۳۳۱	زمام
۳۵۱	سراج، سنج	۳۴۴	ساعت ظهر کوک	۳۳۱	زمامی
۳۵۱	سراج ضیافت	۳۴۴	ساعت غروب کوک	۳۳۱	زمرد
۳۵۱	سرة الارض	۳۴۴	ساعت فرنگی کوک	۳۳۱	زمون
۳۵۱	سرجامهدار	۳۴۵	الساعی	۳۳۲	زمیج
۳۵۱	سرچر	۳۴۵	ساقیه	۳۳۳	زمین بیاض
۳۵۲	سرحد دار	۳۴۵	سال شمسی	۳۳۳	زمین های خالصه
۳۵۲	سرداب	۳۴۵	سال قمری	۳۳۳	زن
۳۵۲	سردار	۳۴۵	سال نجومی	۳۳۳	زناده
۳۵۲	سردسیر	۳۴۵	سالار	۳۳۳	زنار
۳۵۲	سرزمین ناشناخته	۳۴۵	سانتیمتر	۳۳۴	زنبورک
۳۵۲	سرزمین یاجوج و ماجوج	۳۴۶	سانتیمتر مربع	۳۳۵	زنتو
۳۵۲	سرشستی	۳۴۶	سانتیمتر مکعب	۳۳۵	زنج

۳۷۰	شامیانه	۳۶۱	سواخه	۳۵۳	سُرق
۳۷۰	شاویه	۳۶۱	سواد	۳۵۳	سرهنگ
۳۷۰	شاه	۳۶۱	سواد اعظم	۳۵۳	سریر، ولایت سریر
۳۷۰	شاهان	۳۶۱	سوانی	۳۵۳	سُغ
۳۷۰	شاه‌بندر	۳۶۲	سودان	۳۵۳	سقتجه
۳۷۱	شاهریشت	۳۶۲	سور	۳۵۴	سفرنامه
۳۷۱	شاه شاه	۳۶۲	سورچی	۳۵۴	سفسیر
۳۷۱	شبیگرد	۳۶۲	سورسات	۳۵۴	سفینه شراعیة
۳۷۱	شب گزنه	۳۶۲	سُورستان	۳۵۴	سقاخانه
۳۷۱	شباره	۳۶۲	سوق	۳۵۴	سقایان
۳۷۲	شبر	۳۶۲	سوق الاربعاء	۳۵۵	سقایة الحاج سقیفه
۳۷۲	شبروار	۳۶۳	سوق الاهواز	۳۵۵	سکه
۳۷۲	شبهستان	۳۶۳	سوق النبط	۳۵۶	سکک البرید
۳۷۳	شبیگیر	۳۶۳	سوق بنی قینقاع	۳۵۶	سکن
۳۷۳	شحنه	۳۶۳	سوه	۳۵۶	سکّة
۳۷۳	شحنه بارگاه	۳۶۳	سویقه	۳۵۶	سکه سمیریّه
۳۷۴	شختور، شختوره	۳۶۳	سهل	۳۵۶	سکه مکروهه
۳۷۴	شدوات	۳۶۴	سهم	۳۵۶	سکه البرید
۳۷۴	شرابدار	۳۶۴	سبجه	۳۵۷	سکنجیل
۳۷۴	شرابش	۳۶۴	سپا بیجیر	۳۵۷	سلاح داریه
۳۷۴	شراة	۳۶۴	سیاهبوم	۳۵۷	سلالیر
۳۷۴	شربت دار	۳۶۴	سیب البحر	۳۵۷	سلب
۳۷۵	شرح	۳۶۴	سیح	۳۵۷	سلخ
۳۷۵	شرطه	۳۶۴	سید اجل	۳۵۷	سلف صالح
۳۷۵	شرف	۳۶۵	سیف	۳۵۸	سلقان
۳۷۵	شرفات	۳۶۵	سیورغال	۳۵۸	سلمیه
۳۷۵	شرق	۳۶۵	سیورغامیشی	۳۵۸	سلوره
۳۷۵	شر شناس	۳۶۷	شاپوره	۳۵۸	سماق
۳۷۵	شربان	۳۶۷	شاتیّه	۳۵۹	سَمج
۳۷۵	شش کف	۳۶۷	شاجرد	۳۵۹	سَمچل
۳۷۵	شط	۳۶۷	شاخص سوسی	۳۵۹	سمیریات
۳۷۶	شطار	۳۶۷	شاخص کتانی	۳۵۹	سنباذج
۳۷۶	شططی	۳۶۷	شادروان	۳۵۹	سنبوک
۳۷۶	شطوط	۳۶۷	شادروان، شادروان، شاتوروآن	۳۵۹	سَنج، صنج
۳۷۶	شطیط	۳۶۸	شار	۳۶۰	سنجق
۳۷۶	شعائر حج	۳۶۸	شاره	۳۶۰	سنجق، سَنجاق
۳۷۷	شعب	۳۶۹	شارستان	۳۶۰	سنجه
۳۷۷	شعب	۳۶۹	شاطر	۳۶۰	سنگ آب
۳۷۷	شعبده	۳۷۰	شاگری	۳۶۰	سنگاب
۳۷۷	شعر	۳۷۰	شام	۳۶۱	سنگال

۳۹۳	صفا	۳۸۷	صاحب الاشغال	۳۷۷	شعوزه
۳۹۴	صفه	۳۸۷	صاحب الباب	۳۷۷	شعیر
۳۹۴	صقع	۳۸۷	صاحب البذر	۳۷۷	شعیره
۳۹۴	صقلاب	۳۸۷	صاحب الحرث	۳۷۸	شفاخانه، دار الشفا،
۳۹۴	صقوره	۳۸۷	صاحب الخیل	۳۷۸	شقدف
۳۹۴	صک	۳۸۸	صاحب الزمام، زمام الدار	۳۷۸	شقه
۳۹۵	صلوات	۳۸۸	صاحب السوق	۳۷۹	شکال، بشکال
۳۹۶	صلیبیه	۳۸۸	صاحب الشرطة	۳۷۹	شکل ساحل
۳۹۶	صمان	۳۸۸	صاحب الشرطة السفلی	۳۷۹	شلاق
۳۹۶	صندلی	۳۸۸	صاحب الشرطة العليا	۳۷۹	شلالات
۳۹۶	صوبه	۳۸۸	صاحب الظهور	۳۸۰	شلتاق
۳۹۶	صور	۳۸۸	صاحب المدينه	۳۸۰	شلیر
۳۹۷	صورة	۳۸۸	صاحب المكس	۳۸۰	شماس
۳۹۷	صورة الارض	۳۸۸	صاحب الناقة	۳۸۰	شمال
۳۹۷	صورة مامونیه	۳۸۸	صاحب برید	۳۸۰	شمخال
۳۹۸	صورت فلکی	۳۸۹	صاحب خبر	۳۸۱	شمس
۴۰۱	صولجان	۳۸۹	صاحب خطة المظالم	۳۸۱	شمن
۴۰۱	صولی	۳۸۹	صاحب زمام	۳۸۱	شنبل
۴۰۱	صومعه	۳۸۹	صاحب تران	۳۸۱	شنخشور
۴۰۱	صهریج	۳۸۹	صادر و وارد	۳۸۱	شنورازه
۴۰۱	صهوه	۳۸۹	صاری	۳۸۱	شوانی
۴۰۱	صهیون	۳۸۹	صاع	۳۸۲	شوط
۴۰۲	صیاصی	۳۹۰	صافییه	۳۸۲	شهر
۴۰۲	صیوان	۳۹۰	صالدات، سالدات	۳۸۲	شهر
۴۰۳	ضابط	۳۹۰	صحرا	۳۸۳	شهرچه، شهرک
۴۰۳	ضاحیه	۳۹۰	صحن	۳۸۳	شهرستان
۴۰۳	ضالّه	۳۹۰	صخره صماء	۳۸۳	شهریگ
۴۰۳	ضامنه	۳۹۱	صخیرات	۳۸۳	شیاطی،
۴۰۳	ضاح	۳۹۱	صدر اعظم	۳۸۴	شیخ
۴۰۳	ضاح	۳۹۱	صدقات الماشیه	۳۸۴	شیخ
۴۰۴	ضریبه	۳۹۱	صدی	۳۸۴	شیخ الاسلام
۴۰۴	ضمان، تضمین	۳۹۱	صرار	۳۸۴	شیخ الحارة
۴۰۴	ضیاع	۳۹۱	صرة	۳۸۴	شیخ الخدام
۴۰۴	ضیاع السلطانیه	۳۹۲	صروح	۳۸۴	شیخ السفراء
۴۰۴	ضیعت، ضیعة	۳۹۲	صروود	۳۸۴	شیخ الشيوخ
۴۰۵	ضیقه	۳۹۲	صروره	۳۸۴	شیخ خانقاه
۴۰۷	طابوق	۳۹۳	صعلوک، سالوک	۳۸۴	شیخ طریقت
۴۰۷	طابونه	۳۹۳	صعود	۳۸۴	شیراجه، شیر حاجی
۴۰۷	طارمی	۳۹۳	صغیب	۳۸۵	شیوه اقطاع
۴۰۷	طاقنما	۳۹۳	صعید	۳۸۷	صانقه

۴۲۷	عذراء.	۴۱۷	طوب	۴۰۷	طاقیه
۴۲۷	العذیب	۴۱۷	طور	۴۰۷	طالع
۴۲۷	عَرَادَه	۴۱۷	طُول پرتاب تازیانه	۴۰۹	طالعه
۴۲۸	عُرَاض	۴۱۷	طول جغرافیائی	۴۰۹	ظاهر
۴۲۹	عَرَف	۴۱۷	طول و عرض جغرافیائی	۴۰۹	طایفه
۴۲۹	عِرافَة	۴۱۸	طُوًی	۴۰۹	طباق
۴۲۹	عراق عجم	۴۱۸	طهارتگاه	۴۰۹	طبرداریه
۴۲۹	عراق مغرب	۴۱۸	طیارات	۴۱۰	طبرستان
۴۲۹	عراقین	۴۱۸	طیفور	۴۱۰	طبل
۴۳۰	عرب البانده	۴۱۸	طیلسان	۴۱۰	طبلخانه
۴۳۰	عرب الضاحیه	۴۱۹	طیلسان	۴۱۰	طَرَار
۴۳۰	عرب جاهلی	۴۲۱	ظریبه	۴۱۰	طراز
۴۳۰	عرب عاربه	۴۲۱	ظعن	۴۱۱	طراز
۴۳۰	عرب مستعجم	۴۲۱	ظهران	۴۱۱	طربال
۴۳۱	عرب مستعربه	۴۲۳	عادیه	۴۱۱	طربوش
۴۳۱	عربه	۴۲۳	عرض الممالیک	۴۱۱	طرح
۴۳۱	عُرش	۴۲۳	عاشی	۴۱۱	طَرَه
۴۳۱	عرصه	۴۲۳	عاصم	۴۱۲	طَرَه
۴۳۱	عِرَض	۴۲۳	عاشق قاب	۴۱۲	طریخ
۴۳۱	عرض جغرافیائی	۴۲۳	عامر و غامر	۴۱۲	طریده
۴۳۲	عرضداشت	۴۲۴	عامر مأمر	۴۱۲	طریق
۴۳۲	عرق ظالم	۴۲۴	عامل	۴۱۲	طُسُق
۴۳۲	عرم	۴۲۴	عامل خراج	۴۱۳	طسوج
۴۳۲	عروق	۴۲۴	عبا	۴۱۳	طسوه، تسو
۴۳۲	عَرِش	۴۲	عبرت	۴۱۳	طشتخانه
۴۳۲	عریف	۴۲۴	عبید البخاری	۴۱۳	طُعْمَه
۴۳۲	عزابه	۴۲۴	عبید الدایره	۴۱۴	طغرا
۴۳۲	عزیر الوجود	۴۲۵	عبید الشراء	۴۱۴	طف
۴۳۲	عزیر	۴۲۵	عبید المخزن	۴۱۵	طلسم، طلسمات
۴۳۴	عسس خانه	۴۲۵	عتیق	۴۱۵	طلع
۴۳۴	عسگر	۴۲۵	عتیقه خانه	۴۱۵	طلیعه
۴۳۴	عشاریات	۴۲۶	عَثَرِیه	۴۱۵	طنبور
۴۳۴	عشر، عشور	۴۲۶	عثث	۴۱۵	طواف
۴۳۵	عشیر	۴۲۶	عجایب العالم	۴۱۵	طواف افاضه
۴۳۵	عشیره	۴۲۶	عجایب نگاری	۴۱۶	طواف تطوَع
۴۳۵	عصیت	۴۲۶	عجله	۴۱۶	طواف قدوم
۴۳۵	عطا	۴۲۶	عجم	۴۱۶	طواف نساء
۴۳۶	عفار	۴۲۷	عجیب خانه	۴۱۶	طواف وداع
۴۳۶	عفو	۴۲۷	عدنانی	۴۱۶	طوالع البلدان
۴۳۶	عقار	۴۲۷	عدوة	۴۱۷	طوایف

۴۵۴	فراوق، فراونک	۴۴۵	غدير	۴۴۶	عقبه
۴۵۴	فربا	۴۴۶	غراب	۴۴۷	عقنقل
۴۵۴	فرج	۴۴۶	غراف	۴۴۷	عقيق
۴۵۵	فردة	۴۴۶	غرب	۴۴۷	عکیری، غراب
۴۵۵	فردخانه	۴۴۶	غرب	۴۴۷	علاقه
۴۵۵	فرس	۴۴۷	غربال	۴۴۷	علف چر
۴۵۶	فرس النوبة	۴۴۷	غربال	۴۴۸	علم
۴۵۶	فرسخ	۴۴۷	غرس	۴۴۸	علم الاطوال و الاعراض
۴۵۶	فرسنگ	۴۴۷	غره	۴۴۸	علم البرد
۴۵۶	فرض	۴۴۷	غزر و طرح	۴۴۸	علم التنجيم
۴۵۷	فرضه	۴۴۸	غزوه	۴۴۸	علم الحیل
۴۵۷	فرط	۴۴۸	غلاة	۴۴۸	علم الطريق
۴۵۷	فرعون	۴۴۸	غلول	۴۴۹	علم المسارب
۴۵۸	فرغانه	۴۴۸	غلوة	۴۴۹	علم المسالك و الممالك
۴۵۸	فرق	۴۴۸	غمير	۴۴۹	علم تاريخ
۴۵۸	فرقت	۴۴۹	غميم	۴۴۹	علم رمل
۴۵۸	فرمانده	۴۴۹	غمر	۴۴۰	علم عجایب البلاد
۴۵۸	فرناک	۴۴۹	غمره	۴۴۰	علم عیافت و سحر
۴۵۹	فرنگ خانه	۴۴۹	غمره	۴۴۰	علم هیئت
۴۵۹	فسطاط	۴۴۹	غمره	۴۴۰	غُلوج
۴۵۹	فسقيه	۴۵۰	غيطه	۴۴۱	عمده
۴۵۹	فسيفسا، مفسفس	۴۵۰	غیل	۴۴۱	عمره
۴۵۹	فصلانه	۴۵۱	الفاتور	۴۴۱	عمق
۴۵۹	فصيل	۴۵۱	فارقین	۴۴۱	عمیس
۴۶۰	فضائل و مثالب شهرها	۴۵۱	فاليز	۴۴۱	عناصر معماری ایرانی
۴۶۲	فغفور	۴۵۱	فاملداری	۴۴۲	عنق
۴۶۲	فلانک	۴۵۱	فتر	۴۴۲	عواصم
۴۶۳	فدت	۴۵۲	فتوت	۴۴۲	عوامل
۴۶۳	فدر	۴۵۲	فتوح	۴۴۲	عیاران
۴۶۳	فدل	۴۵۲	فتوحات	۴۴۳	عید بهمنجه
۴۶۳	فم	۴۵۲	فتوح البلدان	۴۴۳	عید تیرگان
۴۶۳	فنجان	۴۵۲	فتیان عامری	۴۴۳	عیص
۴۶۳	فندق	۴۵۳	فتیانک	۴۴۳	عین متفجرة
۴۶۴	فندیارقالو	۴۵۳	فحم حجری	۴۴۵	غار
۴۶۴	فتر، فنار	۴۵۳	فخ	۴۴۵	غارب
۴۶۴	فنکال	۴۵۳	فدان	۴۴۵	غاز
۴۶۵	فم	۴۵۳	فرارود	۴۴۵	غازی
۴۶۵	فنیقد	۴۵۴	فراری	۴۴۵	غَب
۴۶۵	فنیقه	۴۵۴	فرآش	۴۴۵	غبراء
۴۶۵	فوت	۴۵۴	فرانق	۴۴۵	غُبیب

۴۸۶	قطاع	۴۷۷	قدرغه	۴۶۵	فهر
۴۸۶	قطاع الطريق	۴۷۷	قدس	۴۶۵	فهرست
۴۸۶	قطان بلدان	۴۷۸	قدم	۴۶۵	فی.
۴۸۶	قطب	۴۷۸	قدوم و ضیافة	۴۶۶	فیج
۴۸۷	قطب نما	۴۷۸	قرائن	۴۶۶	فیروزه
۴۸۷	قطر	۴۷۸	قرا تمغا	۴۶۶	فیفاء
۴۸۷	قطر	۴۷۸	قراول	۴۶۷	فیل
۴۸۷	قطیعه	۴۷۸	قراول خانه	۴۶۷	فیوج
۴۸۷	قفّ	۴۷۹	قراولان	۴۶۹	قائد البحر
۴۸۷	قفار	۴۷۹	قرشمال، غرشمال	۴۶۹	قاپوچی
۴۸۸	قفص	۴۸۱	قرطیل	۴۶۹	قاپوق
۴۸۹	قفه	۴۸۲	قرع و انبیق	۴۶۹	قاحه
۴۹۰	قفیز	۴۸۲	قرق	۴۶۹	قادوس
۴۹۰	قلامسه	۴۸۲	قرمید	۴۷۰	قار
۴۹۰	قلاووز	۴۸۲	قره سوران	۴۷۰	قاروره
۴۹۰	قلعه	۴۸۳	قریس	۴۷۰	قاره
۴۹۰	قلمی	۴۸۳	قریه	۴۷۰	قاپول
۴۹۱	قلندر	۴۸۳	قریه بلا معنی	۴۷۰	قاضی القضاة
۴۹۱	قلندرخانه	۴۸۳	قریه حیرة	۴۷۰	قاضی جماعت
۴۹۱	قلندریان	۴۸۳	قر	۴۷۱	قاضی جند
۴۹۱	قله	۴۸۳	قرح	۴۷۱	قاضی عسکر
۴۹۱	قمص	۴۸۳	قسط	۴۷۱	قاع
۴۹۱	قنا، ان	۴۸۳	قسط	۴۷۱	قاله
۴۹۳	قنات	۴۸۴	قسطار	۴۷۱	قامت انسان
۴۹۳	قنباص	۴۸۴	قسطاس	۴۷۲	قبائل الجیش
۴۹۴	قنطار	۴۸۴	قسطل	۴۷۲	قبائل در عربستان
۴۹۴	قنطره	۴۸۴	قسطیلیه	۴۷۲	قبالة الارض
۴۹۴	قنطریه	۴۸۴	قسمت	۴۷۳	قبالة الخراج، ضمان
۴۹۴	قناره	۴۸۴	قشلاق	۴۷۳	قباله
۴۹۴	قوآلان	۴۸۵	قشلامیشی	۴۷۳	قباله
۴۹۵	قوراء	۴۸۵	قشی	۴۷۴	قبه
۴۹۵	قورجیان	۴۸۵	قصار	۴۷۴	قبه الارض
۴۹۵	قورخانه، غورخانه	۴۸۵	قصبه	۴۷۴	قبه الذهب
۴۹۵	قورلتای	۴۸۵	قصبه مصری	۴۷۴	قبضه
۴۹۵	قوریمیشی	۴۸۵	قصر	۴۷۴	قبط
۴۹۵	قوشجیان	۴۸۵	قصر اللصوص	۴۷۵	قبلیه
۴۹۵	قولاج	۴۸۵	قصور	۴۷۵	قبیله
۴۹۶	قوم	۴۸۶	قضا	۴۷۶	قپان
۴۹۶	قومس	۴۸۶	قضا	۴۷۷	قحطانی
۴۹۶	قومیت	۴۸۶	قضه	۴۷۷	قد

۵۱۴	کلاته	۵۰۷	کدبانو	۴۹۶	قوهستان
۵۱۴	کُلش چَر	۵۰۷	کدخدا، کتخدا	۴۹۶	قه
۵۱۵	کلک	۵۰۷	کدنه	۴۹۶	قهندز
۵۱۵	کلو	۵۰۷	کدواده	۴۹۷	قهوه‌خانه
۵۱۶	کلوت	۵۰۸	کراع	۴۹۷	قیاسین
۵۱۶	کلار، کرار	۵۰۸	کِرَاع	۴۹۷	قیراط
۵۱۷	کلوانی	۵۰۸	کَر المَعْدَل	۴۹۷	قیروان
۵۱۷	کلیددار	۵۰۸	کرانه	۴۹۸	قیصر
۵۱۷	کمر	۵۰۸	کرانی	۴۹۸	قیصریه
۵۱۷	کمر بند صحبت	۵۰۸	کرباس	۴۹۸	قیطان
۵۱۷	کمیز	۵۰۸	کرجی	۴۹۸	قیطول، قیتول
۵۱۷	کنارنگ	۵۰۹	کردویی	۴۹۹	قیطون
۵۱۸	کناره	۵۰۹	کرسی	۴۹۹	قیعه
۵۱۸	کنبوش	۵۰۹	کرکی	۵۰۱	کائنات جو
۵۱۸	کند	۵۰۹	کورور	۵۰۱	کاتب السر
۵۱۸	کنیسه	۵۱۰	کروه	۵۰۱	کاتب الغیبه
۵۱۹	کنیف	۵۱۰	کروه	۵۰۱	کاخ
۵۱۹	کوال	۵۱۰	کرووی	۵۰۲	کارمی
۵۱۹	کوبه و حلقه	۵۱۰	کروه، ماوی	۵۰۲	کاروان
۵۱۹	کوبیدن نقاره	۵۱۰	کروفر	۵۰۲	کاروانسالار
۵۲۰	کوت	۵۱۰	کریاس	۵۰۲	کاروانسرا
۵۲۰	کوتوال	۵۱۰	کسای	۵۰۳	کارزارگاه
۵۲۰	کوچ	۵۱۱	کسری	۵۰۳	کاره
۵۲۱	کوچ‌نشینی	۵۱۱	کسوف و خسوف	۵۰۴	کاریز
۵۲۱	کوچه	۵۱۱	کشتمان	۵۰۴	کاشف
۵۲۱	کوخ	۵۱۱	کشته	۵۰۴	کاشفیه
۵۲۱	کوره	۵۱۱	کشته دفتران	۵۰۴	کاله
۵۲۱	کوست	۵۱۲	کشتی وانان	۵۰۴	کاهن
۵۲۱	کوست	۵۱۲	کشخر	۵۰۴	کاهیه
۵۲۲	کوسه بر نشین	۵۱۲	کشری	۵۰۵	کبریتیه
۵۲۲	کوسی	۵۱۲	کُشک	۵۰۵	کیسه
۵۲۲	کوسی اباختران	۵۱۲	کشور	۵۰۵	کت
۵۲۲	کوسی خاوران	۵۱۳	کشور اسلام	۵۰۵	کتاب الباب
۵۲۲	کوشک، کُشک	۵۱۳	کشیک	۵۰۵	کتابتیب
۵۲۲	کوکبه	۵۱۳	کغارک	۵۰۶	کتل
۵۲۳	کوکناز	۵۱۳	کفالی	۵۰۶	کتب الدیارات
۵۲۳	کوکيله، کوکوله	۵۱۳	کفتار	۵۰۶	کتکر
۵۲۳	کول	۵۱۳	کفر	۵۰۶	کتیبه
۵۲۳	کولاث	۵۱۴	کلا	۵۰۶	کث، کاث
۵۲۳	کولیان	۵۱۴	کلات	۵۰۷	کج، کز

۵۲۴	ماوراء الاقلم	۵۲۳	گل تپه، کول تپه	۵۲۴	کوم، کومه
۵۲۴	ماوراء النهر	۵۲۳	گلوآو	۵۲۴	کوه
۵۲۴	ماه	۵۲۳	گنج	۵۲۴	کوهپایه
۵۲۵	ماه البصره، نهاوند	۵۲۳	گندآب	۵۲۴	کوهین
۵۲۵	ماه الکوفه، دینور	۵۲۳	گیس سفید	۵۲۴	کوی
۵۲۵	ماههای حرام	۵۲۵	لابتان	۵۲۴	کویر
۵۲۵	ماههای رومی	۵۲۵	لاجورد	۵۲۴	کهنانت
۵۲۵	ماههای عربی	۵۲۵	لاشه	۵۲۴	کهاری
۵۲۶	ماههای فارسی	۵۲۵	لباده	۵۲۵	کحف
۵۲۶	ماههای قبطیان	۵۲۵	لنکه	۵۲۵	کھکشان
۵۲۶	ماههای هلالی	۵۲۵	لجنزار	۵۲۵	کهنندژ
۵۲۶	مبال	۵۲۶	لجه	۵۲۵	کیاخره
۵۲۶	متر	۵۲۶	لشآب	۵۲۵	کیل
۵۲۶	متسلم لیک	۵۲۶	لشکرگاه	۵۲۵	کیلچه
۵۲۶	متصرف	۵۲۶	لک	۵۲۶	کیلو
۵۲۷	متطوعه	۵۲۶	لنگیرها	۵۲۶	کیلومتر
۵۲۷	متعرب	۵۲۶	لنگ	۵۲۶	کیله
۵۲۷	مثقال	۵۲۸	لنگ	۵۲۶	کیوانی
۵۲۷	مجاز	۵۲۸	لنگرگاه	۵۲۶	کیهان نگار
۵۲۷	مجاشر	۵۲۸	لنگرگاه تستان	۵۲۶	کیهان نگاری
۵۲۷	مجال	۵۲۸	لوا	۵۲۷	گنو
۵۲۷	مجامعه	۵۲۸	لوطی	۵۲۷	گام
۵۲۷	مجداف	۵۲۹	لیلة المحیا	۵۲۷	گاوجاه
۵۲۸	مجری، مجرا	۵۴۱	مشتب	۵۲۸	گاه
۵۲۸	مجمر	۵۴۱	ماد	۵۲۸	گاهشماری
۵۲۸	مجنة	۵۴۱	مادیچ	۵۲۹	گذار
۵۲۸	مجوس	۵۴۱	مارستان	۵۲۹	گدوک
۵۲۸	مندی	۵۴۱	مازم	۵۲۹	گذر
۵۲۸	مناجیه	۵۴۱	مأصر، مأصرة	۵۳۰	گرد
۵۲۸	محاضر	۵۴۲	مال الاجاره	۵۳۰	گرگر
۵۲۹	محافظة	۵۴۲	مال الجماجم	۵۳۰	گرمسیر
۵۲۹	محال	۵۴۲	مال الجوالی	۵۳۰	گره
۵۲۹	محاسب	۵۴۲	مالکانه	۵۳۱	گری
۵۲۹	محرس	۵۴۲	مالکیت بر عوامل تولید	۵۳۱	گریوه
۵۵۰	محرم	۵۴۲	مالم	۵۳۱	گز
۵۵۰	محسوب	۵۴۲	مالیات	۵۳۲	گز
۵۵۰	محصب	۵۴۳	مامطیر	۵۳۲	گز خیاطی
۵۵۰	محصول شتوی	۵۴۳	مانایک	۵۳۲	گز شاهی
۵۵۰	محصول صیفی	۵۴۳	مانداب	۵۳۲	گرمه
۵۵۱	محل	۵۴۳	مانستار	۵۳۲	گشن

۵۶۹	مستقه	۵۶۱	مراکب	۵۵۱	محل
۵۷۰	مستمری	۵۶۱	مرکب تعدیه	۵۵۱	محلت
۵۷۱	مستملی	۵۶۱	مرید	۵۵۱	محله
۵۷۲	مستوفی	۵۶۱	مرّیع	۵۵۱	محله سلطان
۵۷۲	مُستهل	۵۶۱	مربعة الصغیره	۵۵۱	محمّی
۵۷۲	مسجد آدینه	۵۶۱	مربعة القوس	۵۵۱	محوزه
۵۷۲	مسجد جامع	۵۶۲	مربعة الكبيرة	۵۵۱	محیط
۵۷۲	مسجد فضیح	۵۶۲	مرتبه	۵۵۲	مخبر
۵۷۲	مسطحات	۵۶۲	مرج	۵۵۲	مخبون
۵۷۲	مسقط الراس	۵۶۲	مرجع	۵۵۲	مختار
۵۷۲	مسكون الارض	۵۶۳	مرحله	۵۵۲	مخزن
۵۷۲	مسلمان مستعرب	۵۶۳	مرداب	۵۵۴	مخلاف
۵۷۳	مسناة	۵۶۴	مردود	۵۵۵	مُخلّصه
۵۷۳	مسوح	۵۶۴	مردی	۵۵۵	مَدّ
۵۷۳	مسيل	۵۶۴	مرز	۵۰۶	مَدّ
۵۷۳	مشارقه	۵۶۴	مرزبان	۵۵۵	مدائن
۵۷۳	مشافهه	۵۶۵	مراسی، مراسی	۵۵۶	مداحی
۵۷۳	مشاهرات	۵۶۵	مره، مره	۵۵۶	مداخل
۵۷۴	مشاهره	۵۶۵	مرکز	۵۵۶	مدارس جغرافیایی
۵۷۴	مشربه	۵۶۵	مرتین	۵۵۷	مدجج
۵۷۵	مشرعه	۵۶۶	مرو	۵۵۸	مدر
۵۷۵	مشفق	۵۶۶	مزبقة	۵۵۸	مدروس
۵۷۵	مشیرب	۵۶۶	مزبله	۵۵۸	مدلجه
۵۷۵	مصادره	۵۶۶	مزدلفه	۵۵۸	مدی
۵۷۶	مصالح مرسله	۵۶۶	مزرعه	۵۵۸	مدیریه
۵۷۶	مصانع	۵۶۶	مزغل، مزقل	۵۵۹	مدینه السلام
۵۷۶	مصر	۵۶۶	مزورین	۵۵۹	مدینه
۵۷۷	ممریه	۵۶۷	مزوله	۵۵۹	مَدّ
۵۷۷	مخط	۵۶۷	مساح	۵۵۹	مذانب
۵۷۷	مصر	۵۶۷	مساحت	۵۵۹	مذاهب چهارگانه
۵۷۷	مصهرجین	۵۶۷	مستاحی	۵۵۹	مرّ
۵۷۷	مصيد	۵۶۷	مساعده	۵۵۹	مرآت البلدان
۵۷۷	مضاربه	۵۶۷	مسافت	۵۵۹	مرباط
۵۷۷	مضافات	۵۶۸	مسالك	۵۶۰	مرباطه
۵۷۷	مضمّة	۵۶۸	مسالك و ممالك	۵۶۰	مراقب
۵۷۸	مضیق	۵۶۸	مسالمه	۵۶۰	مرار
۵۷۸	مضین	۵۶۸	مسانهه	۵۶۰	مراسم
۵۷۸	مطبخ	۵۶۸	مسالیح	۵۶۰	مراعی
۵۷۸	مطران، مَطْران	۵۶۹	مستجار	۵۶۰	مرافی
۵۷۸	مطعمون	۵۶۹	مستحث	۵۶۰	مراکش

۵۹۲	ممالیک السلطانیه	۵۸۶	مقدمه الجیش	۵۷۸	مطلع الشمس
۵۹۲	ممالیک کتابیه	۵۸۶	مقصوده	۵۷۸	مطوقه
۵۹۲	مملکه الاسلام	۵۸۶	مکاتب	۵۷۸	مطوفین
۵۹۲	مملی	۵۸۷	مکاری	۵۷۹	مظهره
۵۹۳	ممیزی املاک شهری	۵۸۷	مکتبه	۵۷۹	مظله
۵۹۳	منابع آبی زیر زمینی	۵۸۷	مکتب ایرانی	۵۷۹	مظهر قنات
۵۹۳	منابع آبی رو زمینی	۵۸۷	مکتب سند (هندی)	۵۷۹	معابر
۵۹۳	مناحیس	۵۸۷	مکتب علمی حران	۵۷۹	معامی
۵۹۳	منادمه	۵۸۷	مکتب کلاسیک جغرافیائی عرب	۵۷۹	معاهدون (اهل الذمه)
۵۹۳	مناره	۵۸۷	مکتب یونانی	۵۸۰	معدل النهار
۵۹۳	منازل القمر	۵۸۸	مکتبخانه	۵۸۰	مُعرس
۵۹۴	مناصح	۵۸۸	مکرر	۵۸۰	معرف
۵۹۴	مناطق غیر معموره	۵۸۸	مکس	۵۸۰	مفسکر
۵۹۴	مناهج	۵۸۸	مکوس	۵۸۰	معقل
۵۹۵	منج	۵۸۸	مکیال	۵۸۰	معلم
۵۹۵	منبر	۵۸۸	مکوک	۵۸۱	معلم
۵۹۵	منجانه	۵۸۸	ملاحم	۵۸۱	معماری ایرانی
۵۹۵	منجم	۵۸۹	ملازم	۵۸۱	معموره
۵۹۵	منجیق	۵۸۹	ملا لقه - ح ملطفه	۵۸۱	معین
۵۹۶	مندیل	۵۸۹	ملا لقه - ح ملطفه	۵۸۲	مغ، مغان
۵۹۶	منزل	۵۸۹	ملطفه م بیان - ح ملطفه مخبرین	۵۸۲	مغاریه
۵۹۷	منزلگاه	۵۸۹	ملطفه توفیقی	۵۸۲	مغارة
۵۹۸	متصوره	۵۸۹	ملطفه پنهان	۵۸۲	مغارم
۵۹۸	منطقه البروج	۵۸۹	ملت	۵۸۲	مُفاک
۵۹۸	منطقه	۵۹۰	ملتزم	۵۸۲	مغاورون
۵۹۸	منظر	۵۹۰	ملتزمین، لثام	۵۸۳	مغرب
۵۹۸	منقلای، منقلای	۵۹۰	ملک، جهان	۵۸۳	مغروران
۵۹۹	مُکسر	۵۹۰	ملک البرید	۵۸۴	مفازده
۵۹۹	مُکنا	۵۹۰	ملک الندما	۵۸۴	مفتوح العنوة
۵۹۹	منهل	۵۹۰	ملک عرض	۵۸۴	مفتوح بالسلم
۵۹۹	منیر	۵۹۱	ملکه	۵۸۴	مفتوح صلحا
۵۹۹	موات	۵۹۱	ملوک الطوائف	۵۸۵	مفرد
۵۹۹	مواب	۵۹۱	ملیار، ملیارستان	۵۸۵	مقاسم
۶۰۰	مواجل	۵۹۱	ملیحه	۵۸۵	مقاسمه
۶۰۰	مواخیر	۵۹۱	ممالک	۵۸۵	مقاسمه
۶۰۰	موادعه	۵۹۱	ممالک محروسه	۵۸۵	مقاطعه
۶۰۰	المواسم و المراسم	۵۹۱	ممالیک	۵۸۵	مقاطعه
۶۰۱	مواشی	۵۹۲	ممالیک بحری	۵۸۵	مقاطعه کار
۶۰۱	مواضع	۵۹۲	ممالیک بر جی	۵۸۶	مقاعد
۶۰۱	مواضعه	۵۹۲	ممالیک الخاصکیه	۵۸۶	مقدم

۶۲۰	نشاسته	۶۰۹	میل	۶۰۱	مواطن
۶۲۱	نشان	۶۰۹	میمنه	۶۰۱	موانید
۶۲۱	نشانجی	۶۰۹	میناء	۶۰۲	موبذ
۶۲۱	نشاندار	۶۱۱	نائب	۶۰۲	موبذان موبذ
۶۲۱	نشیمن گاه	۶۱۱	ناتور	۶۰۲	الموت
۶۲۱	نصارا	۶۱۱	ناچخ	۶۰۳	موچلکا
۶۲۱	نصف النهار	۶۱۱	ناحیه	۶۰۳	موری
۶۲۲	نصف النهار ارین	۶۱۱	ناخذا	۶۰۳	موزه
۶۲۳	نطاق	۶۱۲	ناسمون	۶۰۳	موغر
۶۲۳	نظام سند هند	۶۱۲	ناضح	۶۰۳	موقع
۶۲۳	نظام الضمان	۶۱۲	ناظر	۶۰۳	موقوف
۶۲۳	نظام الودایا	۶۱۲	ناظر حبس	۶۰۳	مولانا
۶۲۴	نظام طبقاتی قبیله	۶۱۲	ناعوره	۶۰۴	مولدون
۶۲۴	نظام کلیه	۶۱۲	نام سالهای ایغوری	۶۰۴	موله
۶۲۴	نظامیه	۶۱۳	نامهای سی روزه فارسی	۶۰۴	موی استر
۶۲۵	نظریه بادها	۶۱۳	نامهای صور فلکی	۶۰۴	مهاده
۶۲۵	نظریه سیارات، مکتب مراغه	۶۱۴	نظریه	۶۰۱	مهر
۶۲۵	نظمیه	۶۱۵	ناو	۶۰۵	مهرجر
۶۲۵	نعرهوار	۶۱۵	نودونک	۶۰۵	مهرآس
۶۲۵	نعل	۶۱۵	ناو	۶۰۵	مهرگان
۶۲۵	نغول	۶۱۶	ناوک	۶۰۵	مهل
۶۲۶	نقاط	۶۱۶	ناوگان	۶۰۵	میاومه
۶۲۶	نققات العارضة	۶۱۶	ناووس	۶۰۵	میبد
۶۲۶	نقابة الاشراف	۶۱۷	نیکه	۶۰۵	میثب
۶۲۶	نقاره خانه	۶۱۷	نوییه	۶۰۶	میدان
۶۲۶	نقالی	۶۱۷	نجائب	۶۰۶	میرآب
۶۲۷	نقب	۶۱۷	نجاشی	۶۰۶	میرآخور
۶۲۷	نقشه	۶۱۷	نجد	۶۰۶	میررود
۶۲۸	نقطه	۶۱۷	نجوم	۶۰۶	میرزا
۶۲۸	نقعه	۶۱۸	نحر	۶۰۶	میرشب
۶۲۸	نقمی	۶۱۸	نخجیر	۶۰۶	میرعسس
۶۲۸	نقود	۶۱۹	نژاد	۶۰۷	میرنوروزی
۶۲۹	نقیب	۶۱۹	نسبا	۶۰۷	میری
۶۲۹	نقیب الاشراف	۶۱۹	نسآب	۶۰۷	میزاب
۶۲۹	نکارون	۶۱۹	نسقچی	۶۰۷	میزان
۶۳۰	نگر	۶۱۹	نسک	۶۰۸	میزان آب دهی
۶۳۰	نمانه یا نمانا	۶۱۹	نسی	۶۰۸	میسره
۶۳۰	نمره خانهها	۶۲۰	نسی گیر	۶۰۸	میضاه
۶۳۰	نوا	۶۲۰	نش	۶۰۸	المیعاد
۶۳۰	نواب	۶۲۰	نشآب به برجاس	۶۰۹	میقات

۶۵۰	هشتی	۶۴۱	وحد	۶۳۱	نواب
۶۵۰	هضبه	۶۴۱	ورآق	۶۳۱	نواة
۶۵۰	هفت اقلیم	۶۴۱	ورست	۶۳۱	نواتی
۶۵۲	هفت قوم، اقوام هفتگانه	۶۴۱	ورق	۶۳۱	نواهی
۶۵۲	هگمتانه	۶۴۱	وز	۶۳۱	نوازل
۶۵۲	هلال خصب	۶۴۲	وزرگ فرمتار	۶۳۱	نواضح
۶۵۳	همداستانی	۶۴۲	وزارت	۶۳۲	نواقل
۶۵۳	هندسه	۶۴۲	وزرگان	۶۳۲	نوبت زدن
۶۵۴	هنداز	۶۴۲	وطاق	۶۳۲	نوکنده
۶۵۴	هندیجری	۶۴۳	وظیفه، موظف	۶۳۳	نویان
۶۵۴	هور	۶۴۳	وفا، التیل المبارک	۶۳۳	نهر
۶۵۴	هونه	۶۴۳	وقایع و ایام	۶۳۳	نهر
۶۵۴	هیئت شناس	۶۴۳	وقف	۶۳۳	نهر مجمع البحرین
۶۵۴	هیپارشی یا اپارشی	۶۴۳	وقیه، اوقیه	۶۳۲	نیابة
۶۵۵	هیربد	۶۴۳	وکیل الدار	۶۳۳	نیروز
۶۵۵	هیکل	۶۴۴	ولا، و مولی	۶۳۴	نیزار
۶۵۵	هیلاج	۶۴۴	اله لاة	۶۳۴	نیزه داران
۶۵۷	یاجوج و ماجوج	۶۴۴	لاق	۶۳۴	نیستان
۶۵۷	یارد	۶۴۴	یت	۶۳۴	نیم جزیره
۶۵۷	یارلغان	۶۴۴	ویت	۶۳۵	نیمروز
۶۵۷	یاسا	۶۴۴	وهده	۶۳۷	واپور
۶۵۷	یاساق	۶۴۵	ویبه	۶۳۷	واحد تقسیمات کشوری ایران
۶۵۷	یاغی	۶۴۵	ویژگی هفت اقلیم	۶۳۷	واحد طول
۶۵۷	یام	۶۴۵	ویس	۶۳۷	واحد طول (قاجاریه)
۶۵۸	یانفین	۶۴۶	ویوودالیک	۶۳۸	واحد وزن
۶۵۸	یاوری	۶۴۶	هام دبیره، ام دبیره	۶۳۸	واحه
۶۵۸	یخچال	۶۴۷	هامون	۶۳۸	وادی
۶۵۸	یمدان	۶۴۷	هیل	۶۳۸	واسپوهران
۶۵۹	یسان	۶۴۷	هپیری	۶۳۸	واستریوشان
۶۵۹	یراق چینی	۶۴۸	هده	۶۳۸	واستیوالی
۶۵۹	یرلیق	۶۴۸	هدی	۶۳۸	واقعه
۶۵۹	یساول	۶۴۸	هراکش	۶۳۸	واق واق
۶۵۹	یک پرتاب سنگ	۶۴۸	هرطقه	۶۳۹	والی
۶۵۹	یک تاخت اسب	۶۴۸	هرکاره	۶۴۰	والی الحسبة
۶۶۰	یک تیر پرتاب	۶۴۸	هرهنج، هرنج	۶۴۰	والیان
۶۶۰	یک سنگ آسیاب	۶۴۸	هری	۶۴۰	وان، بان
۶۶۱	یک میدان اسب	۶۴۹	هزاره	۶۴۰	وبر
۶۶۱	یک میدان پیاده	۶۴۹	هزر میخی	۶۴۰	وقف
۶۶۱	یک نیزه	۶۴۹	هزم	۶۴۰	وجاق
۶۶۱	یک پرتاب نیزه	۶۵۰	هستات	۶۴۱	وجب

۶۶۵	يوم النحر	۶۶۳	يوم الاضحى	۶۶۱	یک شب راه
۶۶۵	يوم النضر	۶۶۳	يوم الترويه	۶۶۲	یگان
۶۶۵	يوم النفر	۶۶۳	يوم الجمع	۶۶۲	یمن
۶۶۵	يهودى خانه	۶۶۴	يوم الحصبه	۶۶۲	ینگى، ینى
۶۶۵	بيلاق	۶۶۴	يوم الخرج	۶۶۲	ینى چرى
۶۶۵	بيلاميشى	۶۶۴	يوم الرّوس	۶۶۲	یورت
۶۶۷	کتاب نامه	۶۶۴	يوم الركبة	۶۶۳	یوسفیه
		۶۶۵	يوم القرّ	۶۶۳	یوم
		۶۶۵	يوم المشهود	۶۶۳	يوم الاحزاب

آغاز هر سخن با نام خدا بود زیرا به غیر او، همه رو به فنا بود

مقدمه

بشر از دیرباز با جغرافیا آشنایی داشته است، پیدایش زبان، خط و گسترش جوامع انسانی نقش اساسی در تکوین علم جغرافیا ایفا کرد. با یک مقایسه صوری میان کتاب قدیم جغرافیایی و دانش فعلی جغرافیا درمی یابیم که علم جغرافیا از حوزه بسیط گذشته بسیار فاصله گرفته و از گستره وسیعی برخوردار شده است. تا بدان حد که امروزه می توان از شاخه های مختلف و متعدد علوم جغرافیایی نام برد. کتاب های جغرافیا، قدیم که به دلیل گذشت زمان، آنها را به عنوان جغرافیای تاریخی می شناسیم، همان گونه که از عناوینشان پیداست قلمروهای محدودی را شامل می شدند. بشر به این نتیجه رسیده بود که مسائل بسیاری را نمی داند و باید در مورد آنها اطلاع کسب کند، اما ابزارهای مورد نیاز کتاب دانش را در اختیار نداشت و از اینرو دانسته های او علمی نبود و بیشتر به ظن و گمان شباهت داشت. کتاب های جغرافیایی که تحت عنوان عجایب نگاری دسته بندی شده اند از این گونه هستند. در این کتاب ها مسائلی مفروض دانسته شده که بشر امروزی به راحتی با بیان آنها حکم می کند.

از خلال نوشته های جغرافیایی به جای مانده، به این باور می رسیم که تصویر ذهنی آنها از جهان در مراحل ابتدایی بود، آنان بر این عقیده بودند که حدود سه چهارم سطح زمین را آب فرا گرفته و بقیه آن خشکی است و بر این اساس مناطق مسکونی زمین را ربع مسکون می نامیدند، البته عناوین دیگری هم به این بخش می دادند، مانند ربع مدیوکی، زیرا می توانستند بر روی آن راه بروند و یا ربع مکشوف، زیرا آنرا کشف کرده بودند و یا ربع معمور، زیرا بر این باور بودند که این بخش آباد است و بقیه نقاط زمین به دلایل مختلفی غیر آبادان است و قابل سکونت نیست. این باور چندین قرن بر اذهان حاکم بود. یعنی در زمان یونانیان و بطور ویژه از دوران بطلمیوس تا بعد از ظهور جغرافی دانان مسلمان. تقسیم معموره زمین به هفت اقلیم هم یادگار همان دوران است. بخش مسکونی به هفت دایره و یا هفت نوار موازی تقسیم می شد و در درون هر اقلیم یک یا چند کشور قرار داشتند. رشد سریع دانش جغرافیا از زمانی آغاز گردید که جغرافی دانان به تبیین هفت اقلیم پرداختند و مسائل را به صورت جزئی تر بررسی کردند. کتاب های مسالک و ممالک، صور الاقالیم، حدود العالم و اشکال العالم حاصل این رویکرد است. در مسالک و ممالک توجه آنان به راه ها و سرزمین ها بود و در نتیجه از شهر ها و فاصله میان آنها سخن می گفتند؛ و در مورد ساختار شکلی شهر، کوه ها، دریاها، رود ها، منازل بین راه و فاصله آنها بحث می کردند. نخستین نقشه ها در این دوران پدید آمد. نام گذاری چهار جهت اصلی در این نقشه ها بر خلاف امروز است؛ در نقشه های امروز شمال در بالا و جنوب در پایین قرار دارد و سمت راست مشرق و سمت چپ مغرب است، اما در نقشه های ابتدایی تا دوران میانه جنوب در بالا و شمال در پایین قرار داشت و سمت راست مغرب و سمت چپ

۱. از نظر آنان ربع معمور در نیمکره شمالی واقع بود، مناطق زیر خط استوا به دلیل گرمای شدید و منطقه قطب شمال به دلیل سرمای شدید غیر قابل سکونت تصور می شد.

مشرق نامیده می‌شد.

تقسیم‌بندی کشوری در این زمان انجام گرفت، اما از قانون مشخصی تبعیت نمی‌کرد، مثلاً کشور به مناطق، نواحی، ایالات، استان، کوره یا خوره تقسیم می‌شد که این اسامی در زمان و مکان‌های مختلف با هم تفاوت داشت، وقتی حدود استان مشخص‌تر گردید، باز هم اسامی آن متعدد بود، در شام به آن جُند، در حجاز به آن مخلاف، در عراق به آن احازه، در ایران به آن استان می‌گفتند. تقسیمات کوچک‌تر نیز به همین گونه بودند. در بخش فاصله‌ها و تعیین مسافت سردرگمی بیشتر بود، بر خلاف امروز که سیستم متریک تقریباً گستره جهانی دارد و برای همه مفهوم است، در آن زمان از این اصطلاحات استفاده می‌کردند: منزل، روز، شب، مرحله، بارانداز.^۱ برای تعیین مسافت‌های کمتر، نکته‌سنجی نسبتاً دقیق‌تری داشتند و از موی استر (میلیمتر)، جو، انگشت، وجب، قدم یا گام، یک پرتاب تازیانه، یک سنگ پرتاب، یک تیر پرتاب، یک فریاد، یک آغوش یا بازه و... استفاده می‌کردند که باز هم حدود و ثغور آنها کم و زیاد می‌شود. در سنجش ارتفاع از واحدهایی مثل قامت انسان، تا گردن اسب، پرواز عقاب و... بهره می‌بردند که دقت چندانی ندارد. اوزان و مقیاس‌های موجود در کتب جغرافیای تاریخی بسیار گسترده است، در آن روزگار این اوزان و مقیاس‌ها مشکلات آنها را بر طرف می‌کرد و موجب سهولت داد و ستد میان ایشان می‌شد.

بررسی کتب جغرافیای تاریخی نشان می‌دهد که دانش جغرافیا در ادوار مختلف تاریخی تکامل یافته و ما می‌توانیم نشانه برخی از رشته‌های جغرافیایی را در زمان‌های دور جست‌یابیم. یکی از این موارد جغرافیای نجومی است که همپای جغرافیای توصیفی رشد کرده است، فراوانی اصطلاحات نجومی در کتب پیشین این نکته را تایید می‌کند. اساساً تقویم، زیج، رصدخانه و اسطرلاب محصول این دانش هستند.

در طول تاریخ کتب جغرافیایی متعدد و متنوعی نالفا شده که با مطالعه آنها با سیر تحولات جغرافیایی آشنا می‌شویم. آنچه که امروزه بدان جغرافیای تاریخی گفته می‌شود، تاریخ علم جغرافیا نیست، اگر چه می‌توان از آن برای تبیین این موضوع استفاده کرد. شاید اگر از ابتدا به این دانش تاریخ جغرافیایی می‌گفتند، درک و فهم آن آسان‌تر بود، مثل تاریخ اجتماعی، تاریخ سیاسی، تاریخ اقتصادی، تاریخ فرهنگی و... به هر تقدیر اکنون جغرافیای تاریخی بخشی از تاریخ است، زیرا همه این کتب در گذشته نگارش یافته و به مثابه بخشی از تاریخ به حساب می‌آیند، تنها تفاوت این کتب با سایر حوزه‌های تاریخی در این است که آنها رویکرد جغرافیایی دارند و به واسطه آنها می‌توان فهم روشنی از جغرافیای مناطق و سیر تحول و دگرگونی آنها به دست آورد. آندره میکسل دانشمند فرانسوی در اثر پژوهشی خود که آن را در سال ۱۹۶۶ به زبان فرانسه نوشته است، جغرافیای انسانی جهان اسلام را تا نیمه اول قرن یازدهم میلادی مطالعه و بررسی کرده است.^۲ اکنون با کمک جغرافیای تاریخی می‌توانیم تحولات طبیعی، اجتماعی و جغرافیایی را در بستر تاریخ ارزیابی کنیم. بدون این دانش کسی قادر به مطالعه تاریخ اجتماعی گذشته نخواهد بود، زیرا سازوکارهای لازم برای مطالعه تاریخ اجتماعی در درون کتب جغرافیای تاریخی قرار دارد. البته برخی کتب دیگر نیز در این زمینه به یاری جغرافیای تاریخی شتافته‌اند که مکمل این دانش به حساب می‌آیند. سفرنامه‌ها و تاریخ‌های محلی از این مقوله هستند. مشکلی که در مطالعه کتب جغرافیای تاریخی وجود دارد و درک آنها را تا حدی به تاخیر می‌اندازد، وجود اصطلاحات فراوانی است که بسیاری از آنها تبیین نشده و یا درست ترجمه نشده‌اند و از این رو خواننده گاهی برداشت نامناسب و غیر واقعی از آنها پیدا می‌کند. برای جلوگیری

۱. با گذشت زمان، اصطلاحات موجود در کتاب‌های جغرافیای تاریخی از شفافیت بیشتری برخوردار شد، مثلاً ابن العمری که کتاب مسالک الابصار فی ممالک الامصار را در قرن هشتم هجری نوشته، فاصله بین دو نقطه را این گونه شرح می‌دهد: چند روز فاصله که با راه رفتن معمولی باشد. وی میان تند، اهسته و معمولی راه رفتن تفاوت قائل می‌شود. مسالک الابصار فی ممالک الامصار. ص ۷۸.

۲. رک به: جغرافیه دار الاسلام للبشریه.

از این برداشت‌های غلط تنها راه چاره تحقیق و پژوهش در باب این اصطلاحات و سیر تحول آنهاست.

نخستین باری که با این مشکل مواجه شدم در دوران کارشناسی رشته تاریخ و درس شیرین و جذاب جغرافیای تاریخی بود. تعداد قابل توجهی از اصطلاحات را جمع‌آوری و مطالعه کردم و بلافاصله دریافتم که قدم در راهی طولانی گذاشته‌ام، تعاریف و معانی موجود برایم قانع‌کننده نبود، به ویژه که می‌دیدم مترجمان مختلف ترجمه‌های متفاوتی از آنها به دست داده‌اند. فراموش نمی‌کنم روزی را که اصطلاح اشتیام را خواندم و برای یافتن معنی آن به هر دری زدم، اصطلاح اشتیام در کتاب *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم* مقدسی آمده و مترجم محترم آن را سمسار ترجمه و یا از آن عبور کرده است. برای شناخت بهتر این اصطلاح به متن عربی *احسن التقاسیم رجوع کردم*، در متن عربی *اشتیاموا البحر آمده*، یعنی اگر اشتیام را سمسار ترجمه کنیم، ترجمه این عبارت سمساران دریا می‌شود که بی‌معنی است. شاید بتوان گفت که مرحوم محمد محمدی ملایری زبانشناس معاصر بهتر از هر کسی موضوع اشتیام را واکاوی کرده است.^۱ شناخت دقیق معنای اصطلاح یاد شده در پیچه مهمی به روی ما می‌گشاید، زیرا معنای آن کشتیان و دریاشناس است. ایشان کسانی بودند که بر اثر تجربه مسیر دریا را چون کف دست می‌شناختند و ناخدایان به آنان نیاز داشتند و گوش به فرمان ایشان حرکت می‌کردند تا از خطرات پیش رو در امان باشند. آنان می‌دانستند کجا گرداب است، صخره-های برآمده از کف آب در کجا رافع شده‌اند، مسیرها و منازل دریایی را دقیق می‌شناختند. در ضمن این اصطلاح ریشه در زبان فارسی قبل از اسلام دارد، یعنی کشتیانان ایرانیان بودند که ناخدایان را در سفرهای دریایی طولانی همراهی می‌کردند و بی‌حضور آنان کشتیرانی بس خطرناک بود. این اصطلاح تا چند قرن بعد از ظهور اسلام در میان دریانوردان رواج داشته است.

در خصوص این فرهنگ بیان موارد زیر ضروری است:

- اصطلاحات و یا مداخل این مجموعه کدام آن‌ها اصطلاحات جغرافیای تاریخی است از میان کتب جغرافیای تاریخی قدیم و جدید، سفرنامه‌ها و تاریخ‌های مداخل شده است.^۲ اصطلاحات به هر زبانی که بوده (فارسی، عربی، ترکی و...) آمده و برای تلفظ صحیح آوانگاری شده، سپس ترجمه عربی، بعد ترجمه انگلیسی و در پایان ترجمه فارسی اصطلاح بیان شده است.^۳ توضیحات اصطلاح به شکل مختصر در زیر هر اصطلاح آمده و منابع و مأخذ آن به پانویس همان صفحه منتقل شده است. چند اصطلاح در این فرهنگ از این قانون استثناء هستند، زیرا یکی از معانی عربی، انگلیسی یا فارسی آن یافت نشده است.
- چینش اصطلاحات این فرهنگ به صورت الفبایی است. در اصطلاحات عربی که دارای حرف تعریف ال بوده، حرف تعریف در ترتیب الفبایی به حساب نیامده، مثلاً اصطلاح *الاشتیام* را باید در حرت *الاشیام* جستجو کرد. همچنین در یک مورد چینش الفبایی نقض شده و آن در اصطلاحات اقلیم اول تا هفتم است که اگر به صورت الفبایی نوشته می‌شد برای خواننده دور از ذهن بود، زیرا بعد از اقلیم اول، اقلیم پنجم، سپس اقلیم چهارم، بعد اقلیم دوم، آنگاه اقلیم سوم، بعد

۱. رک به: تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، پیوست‌ها (۱)، ص ۲۷، مقاله جستجوی کلمات فارسی در زبان عربی، شرحی در باره کلمه اشتیام. در اینجا باید یاد آور شد که نقد و بررسی نباید به عنوان طعنه به بزرگان مترجم به حساب بیاید، زیرا ایشان زحمات بسیاری برای این ترجمه‌ها متحمل شده‌اند. بنده وقتی قطر کتابهایی که مرحوم ابوالقاسم پاینده ترجمه کرده‌اند را می‌بینم، فقط با شرمندگی به روح ایشان فاتحه می‌فرستم، زیرا به حق سزاوار تحسین هستند. همه مترجمان عزیز با زحمات بیدریغ خود راه استفاده از متون جغرافیای تاریخی را به زبان فارسی برای ما هموار کرده‌اند که کار قابل تقدیری است. همچنین از دیر باز گفته‌اند کسی که دیکته نمی‌نویسد نمره خود را بیست می‌داند!

۲. در مورد علل مراجعه به سفرنامه‌ها و تاریخ‌های محلی در همین مقدمه توضیح داده شد.

۳. یکی از مشکلات نگارش این فرهنگ ترجمه اصطلاحات آن به دو زبان عربی و انگلیسی بود، زیرا گاهی اصطلاح معادل آن به دو زبان یاد شده یافت نمی‌شد و لذا به اجبار ترجمه آن نوشته شده است.

اقلیم ششم و در آخر باید اقلیم هفتم نوشته می‌شد که شکل مناسبی نداشت.

- گاهی برای توضیح بیشترین اصطلاح از تصویر استفاده شده تا خواننده درک روشنتری از مفهوم مورد نظر داشته باشد. این تصاویر اندک هستند و از فضای مجازی و یا از کتب جغرافیای تاریخی کپی شده است.
- متن منابعی که در کتابنامه آمده رؤیت شده، اما نسخه ورقی برخی از منابع در دسترس نبود و از متن دیجیتال آنها استفاده شد. به عنوان مثال دائرةالمعارف اسلام به زبان انگلیسی در اختیار نبود، و به اجبار از ویرایش سوم آن که به صورت دیجیتال و PDF در اختیار بود استفاده گردید. برخی منابع هم متن ورقی و هم دیجیتال آن موجود بود، نرم افزار جغرافیای جهان اسلام که توسط موسسه کامپیوتری علوم اسلامی «نور» تهیه شده از این دسته است از این نرم افزار در این فرهنگ استفاده گردیده است، توضیح اینکه برای صحت اطلاعات نرم افزار بارها متن برخی کتاب‌های موجود در آن با اصل کتاب‌ها مقایسه شد که اختلافی بین آن دو مشاهده نگردید. کتابنامه پیوست بر اساس نام کتاب تهیه شده است. یعنی ابتدا نام کتاب، بعد نویسنده، سپس مصحح، بعد مترجم، آنگاه ناشر، بعد محل نشر و در پایان تاریخ نشر کتاب ذکر گردیده. برخی کتاب‌ها همه این اطلاعات را نداشتند، از اینرو به اطلاعات موجود آنها بسنده گردید.
- در ابتدا تصور بنده این بود که اصطلاحات موجود از هزار کلمه بیشتر نخواهد شد، اما در عمل این تصور اصلاح شد، در این مجموعه بالغ بر دو هزار و هشتصد اصطلاح آمده است. از آنجا که بر اساس ذهنیت قبلی با ناشر محترم قرار گذاشته شده بود که این مجموعه حداکثر در ۴۰۰ صفحه باشد و در عمل از ۶۰۰ صفحه قطع رحلی هم فراتر رفت، لذا به همین مقدار بسنده شد و حدود ۱۵۰۰ اصطلاح در این مجموعه حذف گردید تا بعد از چاپ این فرهنگ و دریافت نظرات اصلاحی صاحب نظران محترم، آن مجموعه - با کانه چاپ شود - بر اساس تخمین نگارنده کتب جغرافیای تاریخی به زبان فارسی و عربی در برگیرنده بیش از چهار هزار اثر را اصطلاح است که حتما نیازمند استخراج و شرح و تبیین است و بدون شناخت آنها دانشجوی این رشته به زحمت می‌افتد، به همین دلیل بخواهد از این منابع برای کار پژوهشی استفاده نماید. در این مجموعه گاهی برای اختصار ناچار شده‌ام که در باب یک موضوع پرست نسبتا جامعی از اصطلاحات مربوطه را بیاورم بی آنکه به شرح و تبیین آنها بپردازم. به عنوان مثال در ذیل عنوان «ب» اصطلاحات مرتبط با آن بیش از ۲۵۰ اصطلاح از کتب جغرافیای تاریخی استخراج شده که تعداد محدودی از آنها شرح داده شده است. در چند مورد دیگر جهت اجتناب از حجیم شدن کتاب فقط اصطلاحات مرتبط فهرست شده است که از آن جمله با اصطلاحات دیوان برید، اصطلاحات دیوان دیوان خراج، اصطلاحات دیوان خزانه و اصطلاحات فارسی در چین.
- در این فرهنگ تمرکز بر حوزه جغرافیایی دارالاسلام در همه ادوار بوده و از ورود به جغرافیای تاریخی دیگر کشورها خودداری شده است. البته اگر اصطلاحی از آن حوزه‌ها در داخل سرزمین‌های اسلامی رواج داشته، به آن پرداخته شده است؛ به همین دلیل بیشتر منابع عربی و فارسی هستند. برخی از اصطلاحات جغرافیایی بیش از اسلام نیز به این دلیل که در کتب جغرافیایی بعد از اسلام از آنها نام برده شده است در این فرهنگ آمده‌اند.
- توضیحات مربوط به اصطلاحات در این فرهنگ یکسان نیست، برخی کوتاه و بعضی طولانی هستند، دلیل نخست در معمول و شناخته شده بودن یک اصطلاح و دلیل دوم در اهمیت و نقش کلیدی آن اصطلاح در فهم متون جغرافیای تاریخی است.
- در تبیین اصطلاحات از لغت نامه و معاجم قدیم و جدید غفلت نشده است، با این وجود تلاش بر این بوده تا از خلال منابع و متون جغرافیای تاریخی اصطلاحات تبیین شوند و گاهی نمونه متنی که اصطلاح در آن آمده، به عنوان شاهد مثال

آورده شده است. اگر اصطلاحی در یکی از منابع جغرافیایی بدون شرح و توضیح آمده باشد، برای شفاف‌سازی آن به سایر متون تاریخی مراجعه گردیده است.

ممکن است برخی از خوانندگان محترم با شناختی که از جغرافیای تاریخی دارند تصور کنند بعضی از این اصطلاحات ربطی به جغرافیای تاریخی ندارد، برای روشن شدن موضوع باید یاد آوری کرد که این اصطلاحات از درون متون جغرافیای تاریخی استخراج شده و نادیده گرفتن آنها باعث می‌شود که اصطلاحات یاد شده همچنان غامض و غیر روشن باقی بمانند و در نتیجه فهم درستی از متن مورد نظر حاصل نشود. پیشتر در مورد اصطلاح اشتیاق بحث شد، این اصطلاح می‌تواند مصداق چنین ادعایی باشد. طبیعی است برخی اصطلاحات موجود در این فرهنگ با موضوع جغرافیا نسبت دور یا نزدیکی دارند و گاهی مرتبط با یکی از رشته‌های زیر هستند: جغرافیا، نجوم، تاریخ، خراج، قضاوت، حرف و پیشه، اوزان و مقیاس‌ها، مالی، اداری، نظامی، دریانوردی، کشاورزی، آبیاری، اجتماعی، معماری، جشن و مراسم و... درهم تنیدگی اصطلاحات تا بدان حد است که نمی‌توان آنها را از جغرافیا جدا کرد^۱ و چون در متون جغرافیای تاریخی وجود دارند و هدف ما کمک به دریافت فهم درستی از این متون است، به آنها پرداخته‌ایم.

بررسی اصطلاحات - مرافقای تاریخی نشان می‌دهد که ارتباطات از دیرباز نقش اساسی در فراوانی و تنوع اصطلاحات داشته است. در اوایل دوران اسلام اصطلاحات قدیم فارسی تا مدت‌ها در کتب جغرافیایی خودنمایی می‌کرد، بعد از آن نوبت اصطلاحات عربی و سپس ترکی شد. با گسترش حوزه جغرافیای مسلمانان اصطلاحات هندی و مغولی هم بدان افزوده شد. در دوران قاجار اصطلاحات زیادی از زبان ترکی عثمانی وام گرفته شد. البته داد و ستد واژگان به دلیل ارتباطات امری عادی به حساب می‌آید، در دوره‌های به همت ملاحان ایرانی بسیاری از اصطلاحات دریانوردی فارسی در جهان آن روز مورد استفاده قرار گرفت و تا زمان ما به حیات خود ادامه داد. همچنین ایرانیان در قالب کاروان‌های نظامی و برای فتوحات قنات را در ابتدای دوران اسلامی به شمال آفریقا بردند. یکی از علل تنوع اصطلاحات موجود در این فرهنگ، داد و ستد و ارتباطات موجود میان اقوام مختلف بوده است.

گاهی برخی اصطلاحات فقط در یک منبع جغرافیای تاریخی آمده‌اند یا تکیه بر همان منبع اصطلاح یاد شده شرح و تبیین شده است. به عنوان مثال اصطلاح التخلیه و التقویر فقط در کتاب *مردة المشتاق فی إختراق الآفاق*، ادربیسی آمده و به معنای مستقیم و غیرمستقیم یعنی با انحنای می‌باشد، در متن عربی کتاب این اصطلاح بدون توضیح آمده، ولی مترجم فرانسوی کتاب آن را روشن و شفاف بیان کرده است.

در غرب و کشورهای پیشرفته دنیا طرح‌های پژوهشی را به صورت گروهی و مشترک انجام می‌دهند و از این‌رو ضریب خطای آنها کاهش می‌یابد، اما این پژوهش حاصل کار فردی است و به یقین دارای عیوب و نواقصی است که بر طرف ساختن آنها مستلزم دریافت نظرات اصلاحی صاحب نظران است، لذا با اذعان به بضاعت اندک اینجانب درخواست خود را از اندیشمندان فرزانه تجدید می‌کنم که راهنمایی‌های خود را از بنده دریغ نمایند تا در چاپ‌های بعدی انتظارات ایشان برآورده شود.

۱. در قدیم دانش جغرافیا به شاخه‌های متعدد امروزی تقسیم نشده بود، لذا یک کتاب جغرافیایی دربرگیرنده جغرافیای طبیعی، انسانی، سیاسی، نجومی، نظامی و... بود و بنابراین اصطلاحات موجود در آن همه حوزه‌های مختلف را در برمی‌گرفت. به همین دلیل اکنون می‌توان با استفاده از همان منابع قدیمی جغرافیای تاریخی در خصوص برخی شاخه‌های نوین علم جغرافیا، در قرون پیشین هم پژوهش کرد.

در اجرای این پژوهش از راهنمایی‌های استاد بزرگوار دکتر حسین قرچانلو بهره برده‌ام و ایشان سمت ناظر این طرح را بر عهده داشته‌اند. توصیه‌های ایشان باعث گردید تا چند بار نوشته‌ها را تلخیص کنم و حتی شکل آن را تغییر دهم، خداوند بر توفیقات ایشان بیفزاید. در ترجمه اصطلاحات به زبان انگلیسی دوست آزاده، زبان‌شناس و بزرگوارم جناب آقای رضا جمشیدی زحمات زیادی متحمل شدند و روزهای متمادی به کمک ایشان تمامی ترجمه‌ها را بازبینی و اصلاح کردیم، اگر اشکالی در ترجمه‌ها است ناشی از قصور بنده است و چنانچه فضلی در آنها باشد، به دلیل توانمندی و دقت ایشان می‌باشد. دوستان دیگری نیز به اشکال مختلف بنده را مورد لطف قرار دادند که بدون ذکر نام ایشان از آنها تشکر می‌کنم. عزیزان پژوهشکده تاریخ اسلام عهده‌دار چاپ مجموعه بوده‌اند که برای همه آنها آرزوی توفیق دارم.

در پایان مایل هستم آرزوی قلبی خودم را در قالب یک پیشنهاد به همه سروران عزیزم بیان دارم، از آنها می‌خواهم اگر مقاله یا کتابی را ترجمه و یا تألیف می‌کنند در پایان بخشی به‌عنوان فهرست اصطلاحات به آن بیفزایند، اگر این کار ادامه یابد به مرور مشکل اصطلاحات تاریخی بر طرف خواهد شد.

و من الله التوفیق
حجت‌الله جودکی